

# هفته



خبرنامه هفتگی ایرانیان مونترال

سال اول - شماره ۱۶ - شنبه ۲۳ شهریور ۱۳۸۷ - ۱۳ سپتامبر ۲۰۰۸

آرش ریاحی با " برای یک لحظه آزادی"،  
زنیط طلائی بهترین فیلم نخست را گرفت  
مروری کوتاه بر گلچینی از فیلم‌های  
نمایش داده شده در سی و دومین  
جشنواره ی جهانی فیلم مونترال

CFMB 1280 AM  
www.chacavac.com  
Tel:(514) 787-8848

رادیوی مونترال و دیدگاه های ایرانیان  
هر یکشنبه از ساعت ۹ تا ۱۰ شب





## دکتر شریف نائینی جراح دندان پزشکی

514-731-1443

DDS از دانشگاه تهران 1973 \*  
DMD از دانشگاه مونترال 1998 \*

5450 Cote des neiges  
Suite 308  
Metro: CDN



## ارسال ارز به ایران و سایر نقاط جهان

514-485-6000

با امکان صدور Money Order امریکایی و کانادایی

6520 St. Jacques  
1405 de Maisonneuve O  
5774 Sherbrooke W



## چکاوک هفته را مشترک شوید!

۸۸۴۸-۷۸۷(۵۱۴)

صورت آواز مرغ است آن کلام غافل است از حال مرغان مرد خام

چکاوک هفته

سال یکم - شماره ۱۶ - ۲۳ شهریور ۱۳۸۷

ناشر: هفته

ویراستاران: لیلی خاقانی و یوسف امیری

صفحه آرای: شقایق تقی لوها

سردبیر: خسرو شمیرانی

طرح روی جلد: کیوان مهجور

عکس هفته: وحید رهبانی

هفته از همه علاقه مندان دعوت به همکاری می کند.

برداشت مطالب با ذکر ماخذ آزاد است.

هفته در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است.

نوشته های فرستاده شده پس فرستاده نمی شود.

استفاده از طرح ها و آگهی های هفته

نیاز به کسب اجازه دارد.

درباره مضمون آگهی های منتشر شده هیچگونه

مسئولیتی متوجه هفته نیست.

با سپاس ویژه از همکاران این شماره: حمیده غیاثوند، رضا بلادی، محمد جباری حق، پاشا جوادی، بردیا سعدی نژاد، مراد صادقی، امید صارمی و ژان میشل لووا

6960 Sherbrooke W suite 15  
Montreal QC H4B 1R2  
(514)787\_8848  
info@chacavac.com  
www.chacavac.com

### هیچ کس کامل نیست!<sup>۱</sup>

صفحه ۳ سخن هفته: هیچ کس کامل نیست.  
بردیا سعدی نژاد

صفحه ۴ اخبار کبک و کانادا

صفحه ۶ اخبار مونترال ایرانی

صفحه ۸ نامه انتقادی یک خواننده

صفحه ۹ ساده و کوتاه: رازهای کاریابی در کبک  
حمیده غیاثوند

صفحه ۱۰ «تخم شترمرغ» - فستوال فیلم  
مونترال به پایان رسید  
بردیا سعدی نژاد

صفحه ۱۳ «دیدن یا ندیدن» - فستوال فیلم  
مونترال به پایان رسید  
مراد صادقی

صفحه ۱۵ صفحه ادبی - کلاسیک ها - محمد  
جباری حق

صفحه ۱۶ شرنگ شاعر «شرنگستانی» در کافه  
لیت - گزارش از پاشا جوادی

صفحه ۱۷ نام زبان ما چیست؟ - یوسف امیری

صفحه ۱۸ سفر به اعماق زمان: چرا اینجا  
هستیم... - امید صارمی

صفحه ۱۹ عکس هفته: بدون نام  
وحید رهبانی

صفحه ۲۰ اخبار جهان و ایران

صفحه ۲۲ نیازمندی ها

صفحه شناسنامه و فهرست به انگلیسی و  
فرانسه ۲۳

پرهیز کرده‌ایم، با این منطق که این گونه اطلاعات به سادگی و با جستجویی در اینترنت در دسترس همگان خواهد بود، بنابراین تلاش شده است که در حد و اندازه‌های هفته‌نامه‌ای غیرتخصصی سینما، به نقد و بررسی موجز فیلمها پرداخته شود، که شاید دست کم خوراک خواندنی یک هفته‌ی سینمادوستان فارسی‌زبان مونترال و حتی شاید کمی هم فراتر برای بازگشت و چه بسا خواندن دوباره‌ی مطلب‌ها، فراهم شده باشد. با این همه، مانند همیشه کم و کاستی‌هایی هست و «هیچ کس کامل نیست!»

بردیا سعدی نژاد

<sup>۱</sup> "Nobody is Perfect"

اشاره به آخرین گفت‌وگوی فیلم درخشان «بعضی‌ها داغش را دوست دارند» (some like it hot) ساخته‌ی ماندگار بیلی وایلدر است که در جشنواره‌ی امسال هم برای چندمین بار به تماشایش نشستیم. مراد صادقی هم اشاره‌ای کوتاه در ستایش فیلم در همین شماره نوشته است که می‌خوانید.

\* بردیا سعدی نژاد فیلمساز-عکاس ساکن مونترال، یکی از بنیان‌گذاران «حرفه: هنرمند»، فصل‌نامه‌ی تخصصی هنرهای تجسمی در ایران است. وی سرپرست شرکت طراحی گرافیک و تولید فیلم «on a bench 3» در مونترال نیز هست.

جشنواره‌ی جهانی فیلم مونترال، جشنواره‌ی پرماجرایی است! سی‌ودومین سالانه‌ی این جشنواره از تاریخ ۲۱ اگوست تا یکم سپتامبر ۲۰۰۸ م/ ۳۱ امرداد تا ۱ شهریور ۱۳۸۷ خ در شرایطی برگزار شد که دست کم طی پنج سال گذشته، نه تنها در چارچوب فضای جشنواره که در گوشه و کنار داستان‌های سینمایی این شهر همواره پرماجرا بوده است! بسیاری از ما اینجا و آنجا شنیده‌ایم که این جشنواره طی این دوران با مشکل‌های سرپرستی - مالی فراوانی دست و پنجه نرم کرده است، تا آنجا که سه سال پیش تا لبه‌ی پرتگاه فروپاشی هم پیش رفت که شاید بخت خوش و پیشینه‌ی سی ساله‌اش از فروپاشی نابهنگامش جلوگیری کرد. با این همه، در این شماره به همراه دوست عزیزم مراد صادقی، منتقد فیلم و دانش‌آموخته‌ی سینما از دانشگاه کنکوردیا، بیشتر به فیلم‌های نمایش داده شده در سی‌ودومین جشنواره پرداخته‌ایم، هرچند گوشه و کنار، تا آنجا که به کیفیت سینمایی جشنواره مربوط می‌شود، نیم‌نگاهی به این گونه حاشیه‌ها نیز داشته‌ایم.

به دلیل کمبود فضا و ماهیت این هفته‌نامه‌ی فارسی‌زبان و غیرتخصصی بودن آن، فضای به نسبت بیشتری به فیلم‌های ایرانی نمایش داده شده در جشنواره، اختصاص داده‌ایم و از میان انبوهی از فیلم‌های غیرایرانی به نمایش در آمده در بخش‌های گوناگون جشنواره، تنها به گلچینی از آنها و نگاهی کوتاه و گذرا بسنده کرده‌ایم. از پر کردن متن با خلاصه‌ی داستان فیلم‌ها و اطلاعات مربوط به بازیگران و گروه فیلم‌سازی کمابیش





## پس از عقب‌نشینی محافظه‌کاران و نودموکرات‌ها، حزب سبز در بحث آزاد انتخاباتی رهبران احزاب حضور خواهد داشت

به گزارش کانادا پرس، گرچه پیش‌تر کنسرسیوم رسانه‌ای برگزارکننده‌ی بحث‌های انتخاباتی اعلام کرده بود رهبر حزب سبز حق شرکت در این بحث‌ها را ندارد، اما در روز چهارشنبه ۱۰ سپتامبر ۲۰۰۸، از این موضع خود عقب‌نشینی کرد.

پس از جنجال اولیه برملا شد که تصمیم کنسرسیوم بنا به تقاضای نخست وزیر استفان هارپر و جک لیتون، رهبر حزب نودموکرات، بوده است. بنا بر همین گزارش، خانم الیزابت می در این باره گفت: «این عقب‌نشینی به دلیل فشار مردم بود و آقایان هارپر و لیتون در مقابل فشار مردم وا دادند.»

## تبادل رای در فیس‌بوک (Facebook) برای جلوگیری از شکل‌گیری دولت اکثریت هارپر



به گزارش کانادا پرس، جوانی کانادایی با الهام از هم‌سن و سالان خود در آمریکا، در تارنمای فیس‌بوک (Facebook) گروهی تشکیل داده که محور کار آن تبادل رای است.

آقای مت ساوللی (Mat Savelli) از شهر هامیلتون انتاریو شکل‌دهنده‌ی این بخش در فیس‌بوک به خبرنگار کانادا پرس در ساسکاچوان گفت: «هدف من از تشکیل این گروه این است که از دستیابی هارپر به اکثریت آرا جلوگیری کنم.»

این گروه به ترتیب زیر عمل می‌کند: اگر شما در حوزه‌ی انتخاباتی‌ای زندگی می‌کنید که حزب مورد

علاقه‌تان نامزد ندارد و یا نامزد آن احتمال بُردن ندارد، با فردی در رابطه قرار می‌گیرد که طرفدار حزب دیگری است و در حوزه‌ی انتخاباتی دیگری زندگی می‌کند و او نیز همین مشکل را دارد. برای مثال، خانم جنا لیتل (Jenna Little) که در می‌سی‌ساگا در نزدیکی تورنتو زندگی می‌کند می‌خواهد رای خود را به حزب سبز بدهد اما می‌داند در این حوزه رای او به هدر خواهد رفت. پس به دنبال کسی می‌گردد که رای خود را با وی تبادل کند. جنا این فرد را در لندن انتاریو یافته است که حاضر است در مقابل رای جنا به نامزد لیبرال در می‌سی‌ساگا، رای خود را به نامزد سبزها در لندن انتاریو بدهد. بدین ترتیب رای‌ها تبادل می‌شوند.

مت ساوللی، مبتکر این سیستم در کانادا، هم‌اکنون دوره‌ی دکتری حقوق سیاسی را در کشور رومانی می‌گذراند. او می‌گوید هدف او از این کار حمایت از حزب‌های کوچک‌تر است تا سیستم چندحزبی به سیستم دوحزبی تبدیل نشود. گروه اینترنتی وی که از صبح چهارشنبه ۱۰ سپتامبر ۲۰۰۸ آغاز به کار کرده، در طول ۲۴ ساعت ۳۰۰ نفر عضو جلب کرده است.

گزارش کانادا پرس می‌افزاید تبادل رای به این صورت پیشتر در آمریکا آغاز شده بود و گرچه سیاست‌مداران آن را به چالش کشیده‌اند اما دادگاه‌ها به ادامه‌ی کار آنها رای موافق دادند.

## جک لیتون: تا برطرف شدن نگرانی‌های محیط زیستی، با استخراج نفت از شن‌های آلبرتا مخالفت خواهیم کرد



جک لیتون، رهبر حزب نودموکرات (ان.دی.پی.)، روز دوشنبه ۸ سپتامبر ۲۰۰۸ در اطلاعیه‌ای در شهر فرانت اسمیت واقع در استان آلبرتا اعلام کرد که با توسعه‌ی صنعت نفت شنی در آلبرتا مبارزه خواهد کرد. او که پس از پروازی بر فراز رودخانه‌ی سلیو (Slave) در کنار این رودخانه سخنرانی می‌کرد شرکت‌های نفتی را به آلوده کردن آب‌ها و در نتیجه بازی با سلامتی انسان‌ها متهم کرد.

او گفت: «دولت فدرال مسئولیت‌هایی دارد که آنها را انجام نمی‌دهد. فهرست وظیفه‌های دولت در واقع زیاد است. دولت باید صنعت ماهی‌گیری و سلامت مردم بومی را نیز در نظر بگیرد. اما آقای هارپر از وظیفه‌های خود شانه خالی می‌کند.» لیتون افزود بیشتر کانادایی‌ها می‌دانند که شرکت‌های نفتی قابل اعتماد نیستند اما آقای هارپر اجازه می‌دهد که این شرکت‌ها هر کاری که می‌خواهند بکنند. آقای لیتون برای جمعی ۱۰۰ نفر سخنرانی می‌کرد که در زیر باران ایستاده بودند.



## حمله‌ی ژیل دوسپ به محافظه‌کاران برای برگرداندن رای‌های از دست رفته‌ی حزبی

به گزارش سی.بی.سی، ژیل دوسپ (Gilles Duceppe)، رهبر حزب بلوک کبکوا، روز سه‌شنبه ۹ سپتامبر ۲۰۰۸ به طور مشروحی به حزب محافظه‌کار حمله کرده و آن را حزبی مغشوش و آمیخته با رسوایی‌ها نامید. حزب بلوک کبکوا این روزها سعی دارد از کرسی‌های خود متعلق به منطقه‌های مرکزی استان کبک در مجلس فدرال دفاع کند و چند کرسی از دست رفته‌ی خود را در انتخابات ۱۴ اکتبر از محافظه‌کاران بازستاند. بلوک کبکوا امیدوار است حتی چند کرسی بیشتر نیز به

## سازمان های فرهنگی و اجتماعی در مونترال

**انجمن حقوقدانان فارسی زبان کبک**  
www.ajpq.qc.ca

**انجمن دوستداران زرتشت**  
با هدف باز شناساندن جشن های باستانی  
Tel: (514) 731-1443

**انجمن زنان ایرانی مونترال**  
نشست ثابت اولین یکشنبه هرماه، ۱۰/۳۰ صبح  
St. Hubert 8043

**انجمن فرهنگی ایرانیان وست آیلند**  
مدرسه فارسی- هر شنبه از ساعت ۱۲/۳۰  
2900 Lake  
Tel: (514) 626-5520

**انجمن ادبی- محمد فاضل**  
سخنرانی های ادبی، اجتماعی و تاریخی  
Tel: (514) 651-7955

**بنیاد سخن آزاد**  
کنسرت های موسیقی اصیل و سخنرانی  
Tel: (514) 944-8111

**خانه ایران**  
تلفن: 514-951-4721

**خانه کتاب ایران- میک**  
گالری- کتاب فروشی- کتابخانه  
4438 De la Roche  
Tel: (514) 373-5777

**خدمات خانوادگی - Sheild of Athena**  
آگاهی درباره مسائل خانوادگی و قوانین کانادا  
3565 Jarry  
(514) 274-8117

**کتاب خانه نیما**  
5206 Decarie  
Tel: (514) 485-3652

**کافه لیت**  
هر پنجشنبه یک بحث ادبی، تاریخی و علمی  
www.montrealcafelit.blogspot.com  
MontrealCafeLit@gmail.com

**کانون فرهنگی چکاوک**  
رادیو هفته نامه  
6960 Sherbrooke W  
Tel: (514) 787-8848

**مدرسه ایرانی دهخدا:**  
مدرسه فارسی- هر شنبه  
4976 Notre Dame W  
Tel: (514) 886-4768

زیست است و افزایش مالیات بر دی اکسید کربن را در نظر دارد - هدفش کاهش گازهای گلخانه ای و از این راه، کنترل افزایش دمای کره زمین است. بنا بر گزارش مذکور، استفن هارپر اعلام کرد مردم باید میان کاهش سخاوتمندانه مالیات دیزل و مالیات جدید و سنگینی که موجب گران تر شدن همه چیز می شود یکی را انتخاب کنند!

## دادگاه جوان کانادایی زندانی در خلیج گوانتانامو دوباره به تاخیر افتاد



به گزارش کاناداپرس، پنجشنبه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۸، تاریخ دادگاه عمر خضر، کانادایی جوان ۱۷ ساله ای که در خلیج گوانتانامو زندانی است، دوباره عقب افتاد. گرچه به نظر می آمد آقای هارپر برای جلو انداختن دادگاه دخالت کند، اما یکی از وکیلان کانادایی خضر ابزار تردید کرد که دستگاه سیاست کانادا در این رابطه عجله ای داشته باشد.

پیش تر تاریخ شروع محاکمه ی خضر روز ۸ اکتبر ۲۰۰۸ اعلام شده بود، اما روز پنجشنبه قاضی این پرونده دادگاه را تا تاریخ نامعلومی به تعویق انداخت.

## در تورنتو پیکر گلوله خورده های از خودروی در حال حرکت به داخل بزرگراه پرتاب شد

به گزارش کانادا پرس، در روز ۹ سپتامبر ۲۰۰۸ در پی پرتاب جسدی از خودروی در حال حرکتی در بزرگراه ۴۰۱ تورنتو، ترافیک بسیار سنگینی ایجاد شد که چندین ساعت طول کشید. بزرگراه ۴۰۱ یکی از پررفت و آمدترین بزرگراه های تورنتو است.

افسر پلیس تورنتو، آقای تونی ولا (Tony Vella) در این باره توضیح داد که پیش از آن که جسد در نزدیکی خروجی خیابان کیل (Keele) از خودروی در حال حرکتی به بزرگراه پرتاب شود بدان گلوله شلیک شده بود. این اتفاق در باند مسیر شرقی بزرگراه رخ داده است. به نقل از شاهدان عینی، خودروی مذکور پس از پرتاب جسد به بیرون، راه خود را به سمت شرق ادامه داده است. این اتفاق نزدیک ساعت ۲:۴۵ بعد از ظهر اتفاق افتاده است.

دست آورد. ژیل دوسپ در سخنرانی های روز سه شنبه ی خود به این نکته اشاره کرد که استفن هارپر وعده ی «تمیزکاری سیاسی» در پایتخت را داده بود، و گفت هارپر دروغ گفته است. دوسپ به آنچه رسوایی های اخیر محافظه کاران می نامید اشاره کرد و از پرداخت رشوه به چاک کدمن (Chuck Cadman) برای خرید رای او در سال ۲۰۰۵ گرفته تا ماجرای ماکسیم برنیه نام برد. او در این میان به مسئله ی تردیدهای موجود در بودجه ی تبلیغاتی محافظه کاران در سال ۲۰۰۶ نیز اشاره کرده و دعوی حقوقی ۱.۳ میلیون دلار را مطرح کرد. به ادعای اپوزیسیون، محافظه کاران در انتخابات گذشته مبلغ ۱.۳ میلیون دلار بیش از حد قانونی، بودجه برای تبلیغات صرف کرده اند. این در حالی است که این قانون محدودیت بودجه را خود محافظه کاران تصویب کرده بودند!

## پوزش خواهی هارپر از دیون برای کاریکاتور منتشر شده در اینترنت

به گزارش سی.بی.سی، استفن هارپر، رهبر حزب محافظه کار، در روز سه شنبه ۹ سپتامبر ۲۰۰۸، در



اقدامی بی سابقه بابت کاریکاتوری که در تارنمای طرفدار این حزب از آقای استفان دیون پخش شده بود، از رهبر حزب لیبرال پوزش خواست. آقای هارپر این کاریکاتور را بی مزه و نابجا خواند. این کاریکاتور استاد دیون را در کنار تخته سیاه مدرسه نشان می داد که مرغان دریایی بالای سر او در پروازند و روی شانه ی او فضله می اندازند.

## دیون به بستن مالیات کربن و هارپر به کاهش مالیات دیزل می اندیشند

به گزارش خبرگزاری فرانسه، روز سه شنبه ۹ سپتامبر ۲۰۰۸، نخست وزیر استفن هارپر که از کاهش مالیات سوخت های سنگواره ای (فسیلی) طرفداری می کند خبر داد رقیب او، استفان دیون، طرح افزایش این نوع مالیات را مطرح کرده است. آقای هارپر همچنین وعده داد در صورت روی کار آمدن محافظه کاران، او مالیات بر دیزل را نصف خواهد کرد و از ۴ سنت برای هر لیتر به ۲ سنت در هر لیتر خواهد رساند. طرح آقای دیون - که مورد حمایت طرفداران محیط



# اخبار مونترال ایرانی

## «خانه‌ی فرهنگ صبا» در مونترال آغاز به کار کرد

مرکز فرهنگی جدیدی به نام «خانه‌ی فرهنگ صبا» در مونترال متولد شد. این مرکز کار خود را در نخستین روز ماه سپتامبر ۲۰۰۸ آغاز کرد. خانم نرگس شقاقی مدیریت این محل فرهنگی را به عهده دارد که از بخش‌های کتاب‌فروشی، کافه، سالن نمایش، و سخنرانی، تشکیل شده است. هم اکنون تنها بخش کافه، که «کافه‌ی صبا» نامیده می‌شود، فعال است.

بخش سالن برنامه‌ها نیز به زودی آغاز به کار می‌کند و در روزهای ۲۶ تا ۲۸ سپتامبر میزبان جشنواره‌ی شب شعری، به نام «جشنواره‌ی شعر همگانی» (Public Poetry Festival) خواهد بود.

خانم نرگس شقاقی مدیر این مرکز فرهنگی به چکاوک هفت هفته گفت: جشنواره‌ی شب شعر مونترال در نظر دارد شبی را با شاعران برگزیده به ارمغان بیاورد. هدف این جشنواره نزدیک کردن مردم با شعر و نزدیک کردن زبان شعر با مردم است.

آقای جک لاک (Jack Locke) مدیریت جشنواره را به عهده دارد و شاعران کانادایی از شهرهای مونترال، تورنتو، ونکوور، کینگستون و برخی دیگر از شهرهای کوچک و بزرگ کبک و کانادا در آن شرکت خواهند داشت.

نشانی: ۵۱۲۴ شریبروک غربی، نبش شریبروک و واندم

تلفن: ۵۱۴-۴۸۱-۱۴۳۳

## کارگاه مستندسازی مسعود رئوف با همکاری شهرداد ارشدی آغاز به کار کرد

روز سه‌شنبه ۹ سپتامبر ۲۰۰۸ نخستین روز کارگاه

مستندسازی در منطقه‌ی کوت-د-نژ (Cote des neige) بود. پروژه‌ی این کارگاه توسط Cine۳ Production تهیه شده است که شرکت تولید فیلمی است با مدیریت مسعود رئوف، فیلمساز ایرانی تبار ساکن مونترال و با حمایت هیات ملی فیلم (National Film Board) عملی می‌شود. هدف آن آموزش ساختن فیلم مستند کوتاه به جوانان است.



شهرداد ارشدی

شهرداد ارشدی، هنرمند ساکن مونترال که در این پروژه مسعود رئوف را همراهی می‌کند، در گفتگویی به هفته‌گفت: «این کارگاه ۷ روز از ساعت ۶ تا ۹ شب انجام می‌شود و در پایان هر شرکت‌کننده باید فیلم کوتاه مستندی تحویل دهد. اما در طول این ۷ روز، کارشناسان مختلف با ما همکاری خواهند کرد. ما تکنسین صدابرداری و نورپردازی خواهیم داشت. متخصصی «تصویر» را توضیح خواهد داد و تکنسین دیگری مونتاژ را آموزش می‌دهد.»

او در ادامه گفت: «البته این ایده‌ی همکاری مسعود رئوف بوده و او نیز بیشترین بار را بر دوش خواهد

داشت.»

کارگاه برای ۲۰ تا ۳۵ سالگان تدارک دیده شده بوده است اما به گفته‌ی شهرداد ارشدی، بیشتر شرکت‌کنندگان بین ۱۹ تا ۲۵-۲۶ ساله هستند. او درباره‌ی موضوع‌هایی که پنج هنرجوی فیلم‌ساز مشغول در کارگاه به آن می‌پردازند گفت: «یکی از هنرجویان که مهاجر جوانی از آفریقا است دوست دارد در باره‌ی نقش موسیقی در زندگی جوانان فیلم کوتاهی بسازد. دختر دیگری می‌خواهد درباره‌ی ترک تحصیل دانش‌آموزان کار کند.» او ادامه می‌دهد: «ایده‌ها بیشتر اجتماعی هستند.»

درباره‌ی انگیزه‌های که شهرداد ارشدی و مسعود رئوف را به این ایده ترغیب کرده است سوال می‌کنم. می‌گوید: «این ایده برای اولین بار بعد از شورش‌های پاریس ایجاد شد. ما شاهد بودیم از آنجا که فرزندان مهاجران و حاشیه‌نشینان امکان بیان اعتراض نمی‌یابند به شورش دست می‌زنند. شورش‌هایی که ویرانگر است و کمتر نتیجه‌ای دربر دارد. این ایده ایجاد شده بود و مسعود به دنبال تدارک این پروژه رفت تا به جوانان ابزار دیگری برای ابراز اعتراض نشان دهد.» شهرداد ارشدی می‌افزاید: «البته شورش‌ی که امسال در شمال مونترال داشتیم نیز از همین نوع بود. ما می‌خواهیم جوانان آن محله‌های فقیرنشین امکانی نو برای بیان اعتراض خود پیدا کنند. و به گمان من مستندسازی امکان خیلی خوبی است که علاوه بر بیان اعتراض، زبان هنر را نیز گسترش می‌دهد.»

## تا پایان مهلت نام‌نویسی برای دوره‌ی پاییزی «استودیو سرامیک» هنوز ده روز باقی است.

استودیوی سرامیک تحت نظر استاد سفالکاری هنری، محمود بقاییان کلاس‌های دوره‌ی پاییزی



**کابینت آشپزخانه، گرانیت، مرمر و سنگهای ساختمانی**  
 رضا علیدروسی \* نقد و اقساط  
 یکسال بدون پرداخت و بهره  
 (514)996-2725 4055 St. Catherine W. # 99 - westmount

**رضا نژاد**  
 مشاور املاک تجاری و مسکونی  
 2869 Boul. St. Charles - Kirkland  
 Office: 426 - 4545 Cell: 865 - 7146  
 Fax: 426 - 4546

**رستوران شیراز**  
 برای کترینگ جشنها و مراسم  
 گوناگون در خدمت شما  
 با مدیریت فدیبه سیام  
 Tel: (514)485-2929  
 5625 Sherbrooke W

**رستوران کبلی**  
 همبرگرهای بزرگ و خوشمزه و غذاهای لذیذ ایتالیایی  
 (514) 483-0000  
 روبروی مترو Vendom  
 \* تحویل غذا در ان.دی.جی و وست مونت

**خانه زیبایی فریده**  
 \* متخصص لیزر و الکترولیز برای از بین  
 بردن موهای زائد  
 Facial و درمان پوست  
 \* مشاوره رایگان  
 Facial رایگان با خرید ۷۵ دلار از کرم های درمانی  
 Tel: (514)626-8666 (514)892-2030

**رنگ کاری پیانو و مبلمان چوبی**  
 با رنگ کاری حرفه‌ای و درجه یک، به مبلمان  
 چوبی و قدیمی خود زندگی دوباره بدهید.  
 514-909-6264  
 ماندانا روشن

جهان‌گردی اقتصادی (اکوتوریسم) صحبت خواهد کرد.

پنج‌شنبه‌ی گذشته ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۸ به مناسبت همزمانی با سالگرد فاجعه‌ی ۱۱ سپتامبر کافه لیت به بحث درباره‌ی ریشه‌ها و عارضه‌های این حمله‌ی فاجعه‌بار پرداخت. این جلسه قرار بود نخستین برنامه‌ی کافه لیت به زبان انگلیسی باشد. برگزارکنندگان درباره‌ی دلیل انتخاب زبان انگلیسی برای این برنامه به هفته گفتند: «می‌خواهیم این نشست دریچه‌ای باشد برای گفت‌وگو با غیرفارسی‌زبانان مونترال.» در شماره‌ی آینده هفتگی گزارشی از این جلسه بحث ارائه می‌شود.

**پریشیا، کافه رستوران جدید ایرانی، گشوده شد**

کافه رستوران پریشیا به مدیریت آقای مهدی اخوان در مونترال گشوده شد. این کافه رستوران تهیه‌ی غذا برای جشن‌های مونترالی‌ها را نیز پذیرا می‌شود. ما در روزهای آینده گزارشی از محل تهیه کرده و به خوانندگان هفتگی ارائه خواهیم کرد. محل «پریشیا» به قرار زیر است در تقاطع خیابان سن ژاک و ژیروار واقع شده است.

936 Ave. Girouard  
 Montreal QC H4A 3C1

**ماهنامه‌ی بازار هفدهمین سال زندگی خود را آغاز کرد: تولدتان مبارک**

به همکاران خود در «بازار» برای ۱۶ سال تلاش پیگیرشان تبریک می‌گوییم. شانزده سال کار پیگیر برای هر رسانه‌ی ایرانی، مستقل از فرم و محتوای آن، کارنامه‌ای قابل توجه است. شانزده سال یعنی ۱۹۲ بار صفحه‌بندی، ۱۹۲ بار رفتن به چاپخانه و ۱۹۲ بار بردن نشریه به ده‌ها مرکز پخش. ما نه ۱۶ که ۱۹۲ بار به شما تبریک می‌گوییم و پایداری بیشتر در کار رسانه‌ای برای‌تان آرزو می‌کنیم.

گروه همکاران «چکاوک هفتگی» و رادیو چکاوک



خود را از ۲۲ سپتامبر شروع خواهد کرد. کلاس‌ها غروب روزهای دوشنبه تا جمعه برقرار است. هر شنبه، هنرجویان می‌توانند برای تمرین‌های خود به طور رایگان از کارگاه استفاده کنند. برای نام‌نویسی می‌توانید تا پیش از ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۸ با استودیو سرامیک تماس بگیرید.

تلفن: ۵۱۴-۲۸۴-۶۶۳۰

رایانامه: info@ceramicstudio.ca  
 تارنما: www.CeramicStudio.ca

**هژیر عزیز تولدت مبارک**



هژیر گرامی، دوست خوب ما تولدت را تبریک می‌گوییم و برایت سال‌هایی پر از آرامش، سلامتی و شادی آرزو می‌کنیم. حضور انسان خوبی مثل تو در کنار ما، مایه خوشوقتی ماست. برای همه کسانی که به آنها علاقه داریم، دوستانی همچون تو آرزو می‌کنیم.

سربلند و سبزی هژیر گرامی

**گروهی از دوستان تو در مونترال**

**از کافه لیت چه خبر؟**

پنج‌شنبه‌ی آینده ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۸ خانم «نگار قدیمی» در کافه لیت درباره‌ی

کمیته‌ی یادمان کشتار دهه‌ی ۱۳۶۰  
برگزار می‌کند:  
«شب از ستارگان روشن است»  
۱۹ تا ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۸

## نامه خوانندگان

## پاسخ ما

سردبیر عزیز، سلام!

خواننده‌ی گرامی

از خواندن سرمقاله‌ی شماره‌ی ۱۳ مجله لذت بردم. خوشحالم که چنین رویه‌ای را پیش می‌گیرید. من شبکه‌ی خبری سی.بی.سی را درست به همین دلیل می‌پسندم و اخبارش را دنبال می‌کنم.

به نظرم می‌رسد که رعایت تعادل بین اخبار خوب و بد در مورد ایران سخت‌تر از بخش‌های دیگر باشد. ضمن این که تجربه‌ی شخصی من در این چند سال دور از ایران این است که شفافیت تصویر ذهنی‌ام از واقعیت‌های جامعه پس از چند سال دوری کمتر و کمتر شده است. شاید به این دلیل که بیشتر رسانه تقریباً فقط اخبار بد داخل ایران را (که کم هم نیستند، از انصاف نگذریم) پوشش می‌دهند و خواه ناخواه ذهن خوانندگان را در همان جهت شکل می‌دهند. به همین دلیل هم مشاهده‌ی من از دوستانی که سالهاست به جبر یا اختیار از ایران دوری کشیده‌اند داشتن تصویری به مراتب تیره و تار از آنجاست.

من و بسیاری ایرانیان دیگر که مدت زیادی نیست از ایران دور هستیم و مرتب به آنجا سر می‌زنیم این گونه فکر نمی‌کنیم. شاید به همین دلیل که هر از چند گاهی با سفر به ایران فرصت تطبیق شنیده‌ها با واقعیت‌ها را پیدا می‌کنیم و بخشی هم به این دلیل که بسیاری از اتفاق‌های مهم و بیشتر تلخ گذشته را شاهد نبوده‌ایم.

به نظرم نقش چکاوک در این میان می‌تواند پلی بین این دو دیدگاه، البته با در نظر داشتن واقعیت، باشد. مثال می‌زنم: در شماره‌ی المپیک، می‌شد به صعود تیم بسکتبال ایران به المپیک بعد از نزدیک به ۶۰ سال اشاره کرد. در شماره‌ی بعدی: کاهش آمار مرگ و میر در اثر تصادف در ایران بعد از سالها، به دلیل تجهیز اورژانس و همچنین سخت‌گیری پلیس در مقررات رانندگی. در شماره‌ی ۱۳: دو نفر از اعضای تیم بسکتبال با ان.بی.ای (NBA) و لیگ فرانسه قرارداد بستند... چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید...

یکی از خوانندگان چکاوک هفته‌ی — از  
مونترال

به مناسبت بیستمین سالگرد فاجعه‌ی کشتار زندانیان سیاسی در زندان‌های ایران در دهه‌ی ۱۳۶۰ خ / ۱۹۸۰ م، مجموعه‌ای با عنوان «کمیته‌ی یادمان کشتار دهه‌ی ۶۰» در مونترال تشکیل شده که برنامه‌ی تحقیقی و هنری را از روزهای ۱۹ تا ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۸ اجرا خواهد کرد. این مجموعه در اطلاعیه‌ای که بدین مناسبت صادر کرده از جمله نوشته است: «نقطه‌ی اوج یک دهه کشتار وسیع زندانیان سیاسی در ایران، کشتار تابستان ۱۳۶۷ بود که به لحاظ شکل، محتوا و شدت در تاریخ معاصر ایران بی‌سابقه بوده است. به گفته‌ی سازمان عفو بین‌الملل این کشتار برابر با جنایت علیه بشریت می‌باشد. .... به مناسبت بیستمین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی تابستان ۱۳۶۷، سمیناری سه روزه در رابطه با بررسی هنر و ادبیات مقاومت در زندان در دانشگاه کبک - مونترال برگزار می‌کنیم.»

طبق اعلام کمیته‌ی برگزارکننده، برنامه‌های تدارک شده شامل بخش‌های سخنرانی، نمایشگاه نقاشی و عکس، و همچنین نمایش فیلم و میزگرد خواهد بود.

### تصحیح و پوزش

در شماره‌ی پیشین چکاوک هفته‌ی —، مقاله‌ی آقای علی سلیمی که در مورد هیپنوتیزم نوشته شده و در بخش مقالات رسیده از خوانندگان چاپ شده بود، ذکر نام آقای علی سلیمی به عنوان نویسنده از قلم افتاده بود. به این وسیله از آقای سلیمی، متخصص هیپنوتیزم در مونترال پوزش می‌طلبیم و امیدواریم در آینده نیز آقای سلیمی با مطالب خود در کنار چکاوک هفته‌ی — بماند.  
تحریریه چکاوک هفته‌ی —

## رایگان

تولد، ازدواج، پایان تحصیل و  
مناسبت‌های مشابه را به دوستان و  
خویشان خود تبریک بگوئید.

۸۸۴۸-۷۸۷(۵۱۴)

این که مطلب‌های چکاوک هفته‌ی — را به دقت دنبال می‌کنید مایه‌ی خوشحالی ماست. برای وقتی که به نوشتن این نامه اختصاص دادید از شما سپاسگزاریم. در اساس با آنچه می‌گویید موافق هستیم.

شاید یکی از دلیل‌های پیش آمدن ایرادهای مورد نظر شما ضعیف بودن بنیه مالی و کمبود نیروی انسانی ما باشد. واقعیت این است که برای رسانه‌های حرفه‌ای از جمله سی.بی.سی، که شما به آن اشاره کرده اید، برای هر سطر و هر دقیقه برنامه صد ها و گاه هزاران دلار بودجه اختصاص می‌دهند اما در فرهنگ رسانه‌ای ما بویژه در خارج از کشور سهم بودجه تولید محتوی صفر و یا نزدیک صفر است. در حالی که در یک نشریه حرفه‌ای مثلاً گازت، چاپ مونترال، سهم هزینه چاپ و صفحه‌آرایی درصد کوچکی از کل هزینه‌ها را تشکیل می‌دهد، ما همین که هزینه‌های چاپ و صفحه‌آرایی یک نشریه را تامین می‌کنیم می‌گوییم نشریه دخل و خرج می‌کند.

البته معنی تمام این توضیحات عدم علاقه ما به شنیدن ایرادهای کارمان و انتقادهای عزیزان خواننده نیست. برعکس ما به این انتقادها نیاز داریم و از شما برای مطرح کردن آنها سپاسگزاریم. با این توضیح‌ها می‌خواهیم از شما تقاضا کنیم شکبیا باشید، همچنان با ما باشید همچنان ما را بخوانید و به ما ایراد بگیرید. علاوه بر این، اگر امکانپذیر بود ما را باری دهید. باری به ما باری به خود شماست، همراهی در برپا کردن رسانه است که آبرومند و حرفه‌ای باشد. حداقل سود یک رسانه حرفه‌ای برای همه ما، همان آبرویی است که برای ما ایجاد می‌کند. حداکثر سود آن، نقش تعین کننده در برپایی یک جامعه آزاد منش و مداراگر است.

با شما موافقیم، چشم‌ها را باید شست. پس با هم چشم‌ها را بشوییم. طور دیگر ببینیم: این نشریه مال ما نیست. هیچ کس صاحب آن نیست. متعلق به شماست. آن را متعلق به خود بدانید و مثل خانه خود بسازیدش. این خانه برای همه ایرانی‌ها، از هر قوم و برای همه فارسی‌زبان‌ها از افغانستان، تاجیکستان و یا از هر کشوری جای دارد. به «چکاوک هفته‌ی —» خانه خود خوش آمدید.

با سپاس دوباره از شما خواننده گرامی

تحریریه هفته‌ی —

رستوران شیراز برای کیتینگ جشنها و مراسم گوناگون در خدمت شما ۲۹۲۹ - ۴۸۵(۵۱۴)



# کوتاه و ساده: رازهای کاریابی موفق در مونترال و کبک حمیده غیاثوند - مونترال

Office  
de la protection  
du consommateur

Québec



## توصیه‌های دیگر:

درست است که جستجوی کار، خودش کاری تمام‌وقت است، اما برای مهاجران تازه‌رسیده یا دانشجویانی که تا به حال در این محیط کار نکرده‌اند ورود به محیط کاری بسیار اهمیت دارد. پس، در کنار کاریابی خود می‌توانید برای مثال یک روز در هفته را به کارهای داوطلبانه اختصاص دهید و به طور یقین در رزومه‌ی خود بیان کنید که از چه زمانی، به چه مدت و چه کارهایی را انجام می‌دهید.

ممکن است شما مهندس یا کارشناس باشید و خدمات شما به صورت داوطلبانه امکان‌پذیر نباشد، ولی می‌توانید کارهای دفتری انجام دهید یا افراد سالمند را برای رفتن نزد پزشک یا خرید همراهی کنید. این کار شما نه تنها ارزش معنوی دارد، که از دید کارفرما هم بی‌ارزش نیست. در عین حال با معاشرت با دیگران روحیه‌ی خود را حفظ و به تقویت زبان فرانسه یا انگلیسی خود کمک می‌کنید. در اینجا چند نشانی و تلفن مراکزهای کارهای داوطلبانه در مونترال معرفی می‌شوند:

مرکز کنش نیکوکارانه‌ی مونترال  
(Centre d'Action Bénévole de Montréal  
(C.A.B.M))

مراجعه‌کنندگان: شهروندان و سازمان‌های داوطلب  
مونترالی

نشانی: 235, rue Saint-Jacques

تلفن: ۵۱۴-۳۳۵۱-۸۴۲

مرکز نیکوکاران کوت-دو-نژ  
(Centre de Bénévolat Côte-Des-Neiges)

مراجعه‌کنندگان: جمعیت سالمند

نشانی:

4945, chemin de la Côte-des-Neiges,  
bureau 6

تلفن: ۵۱۴-۳۴۰-۱۰۷۲

خدمات نیکوکارانه‌ی غرب جزیره

(Service Bénévole de l'Ouest de l'Île)

مراجعه‌کنندگان: شهروندان غرب جزیره‌ی مونترال  
نشانی:

750, avenue Dawson, bureau 107

تلفن: ۵۱۴-۶۳۱-۳۷۲۰

و حتا از کارشناسان رزومه‌نویسی کمک بگیرید.

• آیا خود را برای مصاحبه آماده کرده‌اید؟ وقتی تمرین کنید و بتوانید درباره‌ی موردهایی که در رزومه‌تان نوشته‌اید با تسلط صحبت کنید، اعتماد به نفس بیشتری به شما می‌دهد و این اعتماد به نفس در چشم‌ها، چهره و رفتار شما مشهود است و کارفرما هم می‌تواند آنها را مشاهده کند و تاثیر بگیرد.

با رعایت نکته‌های طرح شده در بالا، اگر در رشته‌ای که تخصص دارید به دنبال کار باشید، دیر یا زود به مصاحبه دعوت می‌شوید. برای مصاحبه‌ی موفق، رعایت موردهایی مهم و سرنوشت‌ساز است:

۱. همیشه زودتر به محل مصاحبه برسید و فقط ده دقیقه قبل از زمان مقرر خود را به کارفرما یا منشی معرفی کنید.

۲. لباس مناسبی برای مصاحبه بپوشید. از پوشیدن شلوار جین، رنگهای تند، لباس‌های یقه باز یا گوشواره‌ی آویز پرهیز کنید. هر چه ساده‌تر، بهتر.

۳. به چشم‌های مصاحبه‌کننده نگاه کنید و محکم دست بدهید. خلاف اینها، نداشتن اعتماد به نفس یا پنهان کاری را تداعی می‌کند.

۴. در پاسخ به پرسش‌های مصاحبه‌گر به اندازه‌ی کافی، نه اغراق‌آمیز، از خود تعریف کنید. در این کشور برخلاف کشورهای آسیایی، تعریف از خود حمل بر خودبزرگ‌بینی نمی‌شود. بلکه نشان از آن دارد که فرد توانایی‌های خود را می‌شناسد.

۵. در پایان مصاحبه، از مصاحبه‌گر تشکر کنید و کارت تماس وی را بگیرید.

۶. به محض رسیدن به خانه، رایانامه‌ای جهت تشکر برای وی بفرستید و یک بار دیگر یادآوری کنید که چه امتیازهایی دارید و بسیار علاقه‌مند هستید برای آن شرکت کار کنید. ارسال نامه‌ی تشکر بسیار اهمیت دارد تا حدی که، مشاهده شده است از پنج نفری که برای هر شغل دعوت به مصاحبه شده بودند، تنها فردی که نامه‌ی تشکر فرستاده بود، با آن که مصاحبه‌ی موفق‌تری نسبت به بقیه نداشت، استخدام شد.

گاهی وقت‌ها با خود فکر می‌کنید که شما و دوست‌تان هر دو دارای تخصص و توانایی مشابه هستید اما چرا او در یافتن کار مناسب از شما موفق‌تر بوده است. برخی این موفقیت را نتیجه‌ی «شانس» می‌دانند. اما واقعیت این است که گاهی مسئله‌های بسیار ساده تاثیرهای مهمی بر جای می‌گذارند. و شاید توجه کردن یا بی‌توجهی بدان مسئله‌ها است که به عنوان اقبال شانس و بدشانسی تعبیر می‌شود. در این نوشته‌ی کوتاه سعی می‌کنیم به برخی از این نکته‌های ساده اما مهم بپردازیم. برای این کار چند پرسش مطرح می‌کنیم و با پاسخ دادن به آنها، گام به گام به رازهای موفقیت در کاریابی دست پیدا می‌کنیم.

• ارزیابی شما از استعدادها، توانایی‌ها و مهارت‌های خودتان چیست؟ چگونه آنها را نمایش می‌دهید؟ به هر آنچه در انبان دارید اعتماد کنید، دقیق و شفاف باشید. فقط شما می‌توانید خود را در مصاحبه «به فروش رسانید».

• بر اساس چه معیاری فکر می‌کنید که شغل مورد نظر، مناسب شما است؟ امکان این وجود دارد که بخواهید به هر قیمتی شغلی را به دست آورید اما آن شغل به طور کامل مناسب شما نباشد. باید به کارفرما هم اعتماد کنید که شما را انتخاب نکرده است. شاید در آن شغل به هر دلیلی مثل فرهنگ، محیط کاری، مسئولیت‌های سپرده و ... راضی و خوشبخت نمی‌بودید. اگر نمی‌دانید واقعا چه می‌خواهید، خوب فکر کنید. هر چه بیشتر هدف‌تان را روشن کنید، شانس دستیابی به شغل افزایش می‌یابد. اگر شغلی را مناسب دیدید، خود را در آن جایگاه تجسم کنید. تجسم ابزاری است که قهرمانان ورزش زیاد به کار می‌گیرند.

• آیا رزومه‌ی خوبی دارید؟ رزومه‌ی شما بازتابی از استعدادها، توانایی‌ها، و مسیر شغلی شما است. برای تنظیم رزومه‌ی خود وقت بگذارید

## تخم شتر مرغ!

مروری کوتاه بر گلچینی از فیلم‌های نمایش داده شده در سی‌ودومین جشنواره‌ی جهانی فیلم مونترال



### • بردیا سعدی نژاد - مونترال

**برنامه‌گشایش و مراسم پایانی جشنواره**  
سی‌ودومین جشنواره‌ی جهانی فیلم مونترال<sup>۱</sup> با نمایش فیلم «پاریس ۳۶»<sup>۲</sup> و دو میهمانی پیش و پس از آن بازگشایی می‌شود. فیلم فرانسوی «پاریس ۳۶» ساخته‌ی کریستف باراتیه<sup>۳</sup> گزیده‌ای به نسبت مردمی برای آغاز جشنواره است. فیلم که داستان پرفراز و نشیب باز و بسته شدن یک سالن نمایش را در پاریس سال ۱۹۳۶ م، پیش از فرو رفتن در آتش جنگ جهانی دوم، به روی پرده می‌کشد، با خودکشی دارنده‌ی سالن نمایش و خیانت ستاره‌ی زن آن به همسرش که از کارکنان پیش‌کسوت آن است، پرماجرا آغاز می‌شود. اما کارگردان که با استفاده از فیلمنامه‌ی به نسبت پرشخصیت و پرداستان‌اش و باسهمه‌های پیش پافتاده قصد درهم آمیختن این داستان‌ها را در ژانرهای گوناگون دارد در هیچ کجا به اوج نمی‌رسد؛ هرچند، تصویر روزمرگی پاریس دهه‌ی ۱۹۳۰ چون همیشه خوشایند است.

پس از نمایش فیلم نخست جشنواره، به شب‌نشینی مراسم بازگشایی می‌روم. ایستادن میهمان‌های دعوت‌نامه به دست، روبروی در ورودی ایوان هتل، در انتظار بیرون آمدن عده‌ای دیگر و خالی شدن فضا برای میهمان‌های تازه، فراتر از شگفتی آن دسته از میهمان‌هاست که برای نخستین بار به جشنواره آمده‌اند. به این ضعف باورنکردنی اشاره می‌کنم، چرا که بر این باورم، که دست کم طی چند سال گذشته که در جریان چندوچون برگزاری جشنواره بوده‌ام، این گونه کوتاهی در برنامه‌ریزی‌ها به بهای گزاف از دست دادن حمایت مردمی و مالی بسیار زیادی تمام شده است. اینجاست که شگفت‌زده نمی‌شوم از این که اینجا و آنجا می‌شنوم، می‌خوانم و به وضوح می‌بینم که، با وجود اندکی بهتر شدن کیفیت جشنواره‌ی امسال نسبت به سال‌های گذشته، حضور مردم کم‌رنگ‌تر از پیش بوده است.

## نگاهی به فیلم‌ها

«پوچستان» در آغاز خوشایند، در میانه ملال‌آور، اما در نهایت به یادماندنی

در روز دوم به تماشای فیلم «پوچستان»<sup>۴</sup> ساخته‌ی ویت هلمر<sup>۵</sup> محصول مشترک آذربایجان و آلمان می‌روم. «پوچستان» فیلمی در آغاز خوشایند، در میانه اندکی کشدار و ملال‌آور، اما در نهایت به یادماندنی و توجه‌برانگیز است. فیلم با داستانی پرتخیل، عاشقانه و بازیگوشانه که در ناکجآباد روستایی می‌گذرد - هرچند با آهنگ و تصویری که دست کم برای ما ایرانیان آشناست (آذربایجانی - گرجستانی شاید و یا دیگر کشورهای آن دوروبرها) - تماشاگرانش را برای یکی دو ساعت هم که شده از دنیای واقعی دور می‌کند و به تماشای زندگی غریب، خنده آور و پرچالش زنان و مردان این روستا و روزمرگی تعریف نشده شان می‌نشانند. ساختار روایی که بیشتر بر پایه‌ی گفتار روی فیلم، و نه گفت‌وگوی شخصیت‌ها، استوار است دست نخورده بودن این دنیای فانتزی و مردمانش را با طنزی متفاوت پرنرنگ‌تر می‌کند.

**«همه چیز خوب خواهد شد»، فیلمی واقع‌گرایانه، هرچند با دستمایه‌ی پرنرنگ دینی**

«همه چیز خوب خواهد شد»<sup>۶</sup> ساخته‌ی توماژ ویزنیفسکی<sup>۷</sup> محصول لهستان فیلمی واقع‌گرایانه، هرچند با دستمایه‌ی پرنرنگ دینی، درباره‌ی پسرچه‌ای از طبقه‌ی تنگدست جامعه است که برای سلامتی مادر بیمارش نذر می‌کند که مسافت طولانی بین دو شهر را بدود و در این راه معلم ورزش الکلی و بدنامش در جنونی آبی او را همراهی می‌کند. فیلم موفق می‌شود با کانونی کردن همین داستان ساده و بدون پرسه زدن‌های بی‌جا به اوج برسد و تماشاگر را با همزادپنداری در این انگیزه‌ی زیبای کودکانه درگیر کند. ساختار فیلم حتا تا حدی می‌تواند وامدار سینمای ساده‌ی کیارستمی‌وار و نمونه‌هایی از این دست چون «خانه‌ی دوست کجاست» (عباس کیارستمی - ۱۳۶۷ خ / ۱۹۸۷ م) و یا «بچه‌های آسمان» (مجید مجیدی - ۱۳۷۸ خ / ۱۹۹۷ م) قلمداد شود که دیگر این روزها، پس از موفقیت چشمگیر موج نوی سینمای ایران پس از انقلاب، به عنوان سبک سینمایی شناخته شده‌ای مطرح است.

**نیلوفر فیلم نامتعارفی از سینمای ایران**

فیلم «نیلوفر» ساخته‌ی سبین الجمالی<sup>۸</sup> محصول مشترک ایران، فرانسه و لبنان به چند دلیل فیلم نامتعارفی از سینمای ایران به حساب می‌آید. نخست این که کارگردان فیلم زن دورگه‌ی لبنانی-فرانسوی است که در ایران به دنیا آمده و تا ده سالگی در ایران زندگی کرده است و پس از سال‌ها دوری از ایران و

کار تدوین در لس آنجلس، نخستین فیلم بلند خود را در ایران ساخته است. دیگر این که «نیلوفر» نه تنها فیلم کم‌خرجی از فیلمسازی مستقل به حساب نمی‌آید بلکه فیلمی است در جریان اصلی سینمای ایران با هنرپیشه‌ها و گروه فیلم‌برداری حرفه‌ای شناخته شده. و اما آخرین نکته و نامتعارف‌ترین آنها درباره‌ی این فیلم این است که داستان فیلم در قبیله-روستا-شهری در عراق هم‌اکنون می‌گذرد که مردمانش به فارسی و با لهجه‌ی عربی سخن می‌گویند. سبین الجمالی در گفت‌وگویی که با او داشتم درباره‌ی چون و چرا این ویژگی عجیب فیلم که به یقین از واقعیت‌های جغرافیایی-فرهنگی به دور است، به توجیهی از دیدگاه اجتماعی-سیاسی بسنده کرد. او اشاره کرد: «در ایران کشتن برای حفظ آبرو در جامعه‌ی فارس‌ها دیده نمی‌شود بلکه بیشتر در بین عرب‌ها و کردهای مقیم ایران اتفاق می‌افتد.» و در نهایت گفت که «نمی‌خواستند چهره‌ی ایران را در رسانه‌های جهانی از این که هست هم نابودتر کنند.»<sup>۹</sup> هرچند هرگز بنا بر این نبوده است که سینما به حتم از واقعیت پیروی کند، و چه بسا یارند فیلم‌هایی که از دیدگاه زبان و مکان هماهنگ نیستند، و چه بسا این ناهماهنگی نقطه ضعف این فیلم‌ها به حساب نمی‌آید. اما ادای گفت‌وگوها به لهجه‌های یک به یک متفاوت هر بازیگر در تلاشی ناکام برای طبیعی جلوه دادن گفتار فیلم، چه بسیار از روانی جریان فیلم و پردازش و باور شخصیت‌ها کاسته است.

«نیلوفر» دوباره‌گویی داستان یک پیچیدگی فرهنگی ناپسند و مردسالاری تهوع آور قبیله‌های عرب‌نشین حاشیه‌ی غربی خلیج فارس است. پدری قول دختر ۱۳ ساله اش را به شیخ پولدار عربی در ازای دریافت قطعه‌ای زمین می‌دهد تا زمانی که دختر بالغ شد - در اینجا عادت ماهانه معیار است - او را به عقد شیخ درآورد. شیخ پولدار دستش به خون دخترش آلوده است که با عاشقش فرار کرده بود و این سرنوشتی است که انتظار نیلوفر سیزده ساله را می‌کشد که خود را به هر آب و آتشی می‌زند تا خود را از سرنوشت محتوم ازدواج اجباری با شیخ برهاند. داستان نیلوفر گویی داستان نوجوانی «عروس آتش» خسرو سینایی است، فیلمی باز هم از جریان اصلی سینمای ایران که بازی درخشان و به یادماندنی حمید فرخ‌نژاد آن را به نسبت ماندگار کرده است. «نیلوفر» سبین الجمالی هر چند از دیدگاه فنی به عنوان فیلم نخست فیلم‌سازش شسته و رفته به نظر می‌رسد اما از دیدگاه پردازش شخصیت‌ها، گفت‌وگوها و پیشبرد داستان، با وجود حضور فوجی از بازیگران حرفه‌ای چون رویا نونهالی و فاطمه معتمد آریا و دیگران کم می‌آورد. هر چند، دختر بچه‌ای که نقش نیلوفر را بازی می‌کند به یاد ماندنی و خوش‌آینده است. با وجود این، کارگردان از ظرافت‌هایی چون دغدغه‌ی دخترانه‌ی عقب انداختن عادت ماهیانه سرسری می‌گذرد و از استعداد نهفته‌ی بازیگر نوجوان فیلم بیشترین استفاده را نمی‌برد و به کلی‌گویی همیشگی



رویا نوهالی در فیلم نیلوفر

با تغییر در زیرداستان‌ها و مکان ماجراها، که در نگاه نخست هیجان‌انگیز و حتماً پیشرفت چشمگیری به نظر می‌رسد، در نهایت آشفته و سردرگم می‌شود. با نگاهی کلی به فیلم‌های پیشین مجیدی و داستان‌های سرراست و نمادهای شناخته‌شده‌اش تماشاگر حرفه‌ای حتماً دچار این سردرگمی می‌شود که آیا به راستی به عنوان مثال «تخم شترمرغ» در «آواز گنجشک‌ها» یک نماد است و اگر هست، نماد چیست؟! (شخصیت مرد اصلی فیلم در کشتگاه پرورش شترمرغ کار می‌کند که با فرار یکی از شترمرغ‌ها از کار بر کنار می‌شود). می‌توان معنای بسیاری برای آن تصور کرد، اما ناخودآگاه به یاد لوئیس بونوئل، استاد مسلم مکتب سوررئالیسم در سینما می‌افتم که جایی گفته بود<sup>۱۳</sup> از روی خوش خوشان، فلان صحنه‌ی عجیب و غریب را در فیلم گذاشته بودیم تا ببینیم منتقدان چه می‌گویند و چه گونه معنای پس‌ذهنمان را کالبدشکافی می‌کنند! سپس فرستگ‌ها فاصله بین سینمای بونوئل و سینمای مجیدی مرا به خود می‌آورد و در نهایت آشفتنگی و سردرگمی آواز گنجشک‌ها را یاد آور می‌شود. با این حال تصویر به یاد ماندنی و حتماً ستایش‌برانگیز تهران در فیلم و شخصیت‌پردازی، بازی‌گردانی و فضاسازی واقع‌گرایانه فیلم نمی‌گذارد که پنبه‌ی فیلم را از بیخ و بن بزنم. فیلم در نهایت تماشاگر حرفه‌ای خود را بی‌بهره نمی‌گذارد و برای ناحرفه‌ای‌ها چه بسا خوشایند است.

### «هر شب تنهایی»، برای نمایش تنهایی نمی‌توان از داستانی پرماجرا بهره برد

فیلم «هر شب تنهایی»<sup>۱۴</sup> ساخته‌ی رسول صدر عاملی از نظر بسیاری از تماشاگرانی که سالن نمایش را ترک می‌کنند بسیار ملال‌آور، کش‌دار و در نهایت از همین نگاه پذیرای برجسب ناخوشایند بی‌ارزش است! اما پرسش اینجا است که آیا این دسته از تماشاگران پس از تماشای فیلم به این نکته‌ی ساده اندیشیده‌اند که برای به تصویر کشیدن احساس تنهایی انسان نمی‌توان از یک داستان پرماجرا و سرگرم‌کننده استفاده کرد؟ تنهایی از درون، کش‌دار، ملال‌آور و چه بسا دردناک است. با این توجیه ساده، دست کم بر چسب بی‌ارزش

بخشیده است و به زبان انگلیسی دست پا شکسته با دوست و هم‌اتاق ایرانی‌اش، و به طور کلی در طول فیلم، گفت و گو می‌کند، مهر تأییدی است بر آنچه گفته شد یعنی چیرگی نداشتن آرش ریاحی به شخصیت‌پردازی با زبان فارسی.

فیلم از دیدگاه فنی: کارگردانی نماها، انتخاب مکان‌های فیلمبرداری، تدوین، مرحله‌های پیش‌تولید چون پژوهش پیرامون پس‌زمینه‌های واقعی داستان‌ها و پیدا کردن دست‌مایه‌های داستان - تصویری برای بازسازی سلسله ماجراهایی اتفاق افتاده در یک دوره‌ی تاریخی ویژه، پذیرفتنی و حتماً هرازچندگاه ستایش‌برانگیز است. اما تلاش نافرجام کارگردان در حذف برجسب یک دوره‌ی



صحنه ای از فیلم "برای یک لحظه آزادی"

تاریخی و اصرارش بر بی‌زمان بودن و جهانی جلوه دادن داستان فیلم، به عنوان درد مشترک همه‌ی پناهندگان و آوارگان سیاسی-اجتماعی (که در گفت‌وگویی که با او داشتم به این نکته اشاره کرد)، از ارزش‌های واقع‌گرایانه‌ی فیلم و وابستگی آشکارش به یک دوران، فرهنگ و جغرافیای ویژه می‌کاهد و فیلم را، دست کم برای تماشاگر و منتقد ایرانی تا حدی تاریخ مصرف گذشته می‌کند. با این همه فیلم، حال شاید بیشتر به رغم ته‌مره‌ی سیاسی‌اش و این روزها داغ بودن داستان‌های سیاسی پیرامون ایران و به یقین به خاطر تروتازگی موج گونه‌ای دیگر از سینمای ایران، ساخته و پرداخته‌ی فیلمسازان ایرانی مقیم خارج از کشور، در جلب رضایت گروه داوران غیرایرانی جشنواره موفق است و زینت زرین بهترین فیلم نخست را برای کارگردانش به ارمغان می‌آورد.

### «آواز گنجشک‌ها»، فیلمی با نشانه‌های آشنای سینمای مجید مجیدی

فیلم «آواز گنجشک‌ها»<sup>۱۵</sup> ساخته‌ی مجید مجیدی در بخش خارج از مسابقه‌ی جشنواره نمایش داده شد، فیلمی است که بسیاری از نشانه‌های آشنای سینمای مجیدی را با خود همراه دارد. اما فیلمنامه‌ی فیلم مانند فیلم‌های پیشین مجیدی از قانون یک داستان کانونی به نسبت منسجم پیروی نمی‌کند و

جریان اصلی سینمای ایران بسنده می‌کند و از این جهت، کمبود حضور کارگردانی خلاق، نه به عنوان نقیصه نابخشودنی، که فقدان یک امضاء، به چشم می‌خورد. شاید بتوان گفت حضور پرنگ تهیه‌کننده‌ی ایرانی فیلم و گروه بازیگران حرفه‌ای آن قدر زیاد است که حضور کارگردانی با پس‌زمینه‌های فرهنگی متفاوت را کمرنگ کرده است. بیهوده نیست که بسیاری از کارگردان‌های موفق جشنواره‌ی سینمای ایران تمایلی به کار کردن با بازیگران حرفه‌ای جریان اصلی ندارند، مگر نمونه‌های کمیاب‌تری چون داریوش مهرجویی که نیروی کافی برای استوار کردن حضور یک کارگردان و پر رنگ کردن امضایش را - چه این امضا را بپسندیم و چه نپسندیم - حتماً در کار کردن با بازیگران حرفه‌ای جریان اصلی دارد.

### «برای یک لحظه آزادی»، برنده‌ی «زینت زرین» بهترین فیلم نخست

در جشنواره‌ی امسال حضور فیلمسازهای ایرانی‌تبار مقیم خارج از کشور پیام‌آور موج تازه‌ای از سینمای ایران است. فیلم «برای یک لحظه آزادی»<sup>۱۶</sup> نخستین ساخته‌ی بلند داستانی آرش ریاحی و محصول مشترک اتریش و فرانسه، فیلمی است با دغدغه‌های سیاسی و حقوق بشری درباره‌ی تجربه‌ی فرار از مرزهای ایران به ترکیه. فیلم که بخشی از آن حدیث نفس کارگردانی است که خود در سال‌های نوجوانی از مرزهای ایران به همراه پدر و مادرش گریخته است، به چند داستان فرار می‌پردازد، که همگی آشکارا ردهایی از داستان‌های واقعی شنیده و شناخته‌شده را دنبال می‌کنند. هر چند فیلم با به تصویر کشیدن صحنه‌ی اعدام یک زندانی سیاسی در ایران آغاز می‌شود و با همان صحنه پایان می‌یابد، در طول فیلم بیشتر دغدغه‌های انسانی شخصیت‌هایش را بی‌می‌گیرد که با دردهای مشترک آوارگی، ترس و غربت دست و پنجه نرم می‌کنند. بیشتر فیلم به زبان فارسی است و از دیدگاه پردازش شخصیت‌ها با تکیه بر بازیگری، از متن گفت‌وگوها و ادای آنها گرفته تا بازی چهره‌ها و بدن، فیلم آشکارا لنگ می‌زند و استفاده‌ی بیش از اندازه صحنه‌های برانگیزاننده‌ی احساسات آبکی، هر چند ممکن است قطره‌ی اشکی بر چشم تماشاگر غیرحرفه‌ای، و چه بسا شاید بیشتر حتماً غیرایرانی، جاری کند، اما این همه دردی از چیره نبودن آشکار نویسنده - کارگردان بر گفت‌وگوها و بازی‌گردانی بازیگرهای فارسی‌زبان درمان نمی‌کند. پردازش جالافتاده و پذیرفتنی شخصیت یک کرد عراقی در یکی از داستان‌ها که حضورش طنز خوشاندی هم به فیلم







را به حتم ناجوانمردانه می‌دانم اما این که فیلم از دیدگاه ارزش‌گذاری سینمایی تا چه اندازه قابل جانبداری است نیازمند تحلیلی عمیق‌تر است که در بردارنده‌ی بررسی صحنه به صحنه‌ی

«هر شب تنهایی» و نما به نماست و از حد و اندازه‌های نوشتاری چنین به دور است. چرا که «هر شب تنهایی» کمتر داستنگو و بیشتر بیانگر حالت‌های درونی تنها شخصیت اصلی فیلم است و به خوبی به دیگر شخصیت‌های فیلم اجازه‌ی کنکاش و درگیر شدن در تنهایی دست نخورده او را نمی‌دهد. فیلمی با درون‌مایه‌ی دینی که دوراهی‌های اعتقادی-فرهنگی یک زن و مشکل‌های زندگی زناشویی‌اش و بیش از همه تنهایی‌اش را به تصویر می‌کشد. ارتباط دختر بچه‌ی گم‌شده و لیلا حاتمی (بازیگر نقش اول زن) و این که دخترک به زبان دیگری سخن می‌گوید، و باز هم تنهایی زن، به یادماندنی است؛ هرچند لحظه‌هایی از احساسات رقیق پیش پاافتاده اینجا و آنجا به چشم می‌خورد مانند صحنه‌ی پایانی، که در آن زن عکس دونفری‌شان با دختر بچه را به سمت دوربین می‌گیرد.

\*کلیه‌ی حقوق انتشار دوباره‌ی این مقاله برای نویسنده محفوظ است.

1. عنوان، بر گرفته از صحنه‌ای از فیلم آواز گنجشک‌ها
2. Montreal World Film Festival
3. Faubourg 36
4. Christophe Barratier
5. Absurdistan
6. Veit Helmer
7. All Will Be Well
8. Tomasz Wiszniewski
9. Sabine El Gemayel
10. گفت‌وگوی یاد شده را در آینده‌ی نزدیک در چکاوک هفته می‌خوانید.
11. For a moment Freedom
12. The song of sparrows
13. کتاب «با آخرین نفس‌هایم»، خاطرات لوئیس بونوئل
14. Every night, loneliness

## «دیدن یا ندیدن؟ مسئله این است.»

• مراد صادقی - مونترال

نمایش فیلم در فضای آزاد در جشنواره‌ی فیلم مونترال نه تنها در بردارنده‌ی فرصتی استثنایی است برای عاشقان و کنکاش‌گران هنر سینما تا عطش سیری‌ناپذیر خویش را برای تماشا یا بازبینی فیلم‌های تاریخ سینما فروبشانند بلکه برآورنده‌ی آرزوی بدوی هر سینمادوستی است که امکان دیدن فیلم‌ها را روی پرده‌ی عریض به دست آورد. جشنواره به طول مدت ۱۰ روز نمایشگر دو فیلم در هر شب بود و این شکل به عرضه گذاشتن فیلم‌ها، به تماشا نشستن آنها را نظمی می‌بخشد که نه تنها ارضاکنده‌ی تماشاگران غیرحرفه‌ای است بلکه تماشاگر متخصص را هم مجذوب می‌کند. در این گزارش از بخش «movies under the stars» (نمایش فیلم زیر ستارگان) جشنواره‌ی فیلم مونترال، به بازبینی‌ی از فیلم‌هایی نشستیم که با طعمی از نگاه منتقدانه همراه است. هرچند تمایل و کالبدشکافی عمیق این آثار فرصتی بسنده‌تر می‌طلبند، اما در این رهگذار تلاش شده است که با نیم‌نگاهی گذرا به گلچینی از این فیلم‌ها پرداخته شود.

### بعضی‌ها داغش را دوست دارند

دیدن فیلم بعضی‌ها داغش را دوست دارند ساخته‌ی بیلی وایلد، کارگردان آمریکایی، شاید برای نسل جدید که تجربه‌های بصری دیگری از سینمای امروز



دارد، اثری کهنه، خاک‌خورده و ملال‌آور به نظر بیاید، نسلی که تدوین شتاب‌دار، خشونت برهنه، و روابط جنسی پیچیده در فیلم‌های امروز ذهنیت تحلیل‌گرایش را به تسخیر خویش در آورده است. اما

بی‌شک طنز سیاه فیلم همراه با فیلمنامه‌ی قوی و شوخی‌های به دقت محاسبه شده در بیان گفتارهای شخصیت‌ها و بازی‌گیری ماهرانه‌ی کارگردان از بازیگران به قصد بر ملا ساختن لایه‌های زیرین شخصیت مردانه، استادانه و به صورتی منسجم تمامی عنصرهای شاهکاری در تاریخ سینما را بازآفرینی می‌کنند.

### تمامی صبح‌های جهان



فیلم تمامی صبح‌های جهان ساخته‌ی آلن کورنوبه و بازیگری ژرار دو پارديو فیلمی است که از لحاظ ساختار زیبایی‌شناسانه در زمینه‌ی رنگ و نور تابلوهای نقاشی سده‌های هفدهم و هجدهم اروپا را به خاطر می‌آورد. تمامی فیلم داستان مارن ماره موسیقی‌دان دربار لویی چهاردهم است که به صورت بازگشتی به گذشته، خاطره‌های او را از استادش «سنت کلومب» به تماشا می‌نشینیم. آلن کورنو با نگاهی شاعرانه تمامی دردناک بودن زندگی سنت کلومب و دخترانش را که به موسیقی‌اش می‌نشیند به تصویر می‌کشد.

شب چهارم با فیلمی از کلود شابرول آغاز شد، فیلمسازی فرانسوی که کار حرفه‌ای خویش را از زمان موج نوی فرانسه تا به امروز ادامه داده است. فیلم Violette Nozriere که بر اساس داستانی واقعی ساخته شده است شرح حال شخصیت زنی است که به دلیل فشارهای زندگی به روسپیگری روی می‌آورد و سرآخر اقدام به قتل خانواده‌ی خود می‌کند. فیلم تمامی عنصرهای سینمای شابرول را در خود یکجا دارد: آفرینش دلهره و تعلیق، برش پرشی از روی نماها، منطق غیرخطی روایت، بازگشت به گذشته‌ی آمیخته به جریان سیال ذهن، و سرانجام وفاداری به مولفه‌های موج نوی فرانسه که قانون‌های

زیبایی‌شناسی سینمای کلاسیک آمریکا را به چالش می‌گیرد.

### فرانکشتاین جوان من

دیدن فرانکشتاین جوان من ساخته‌ی ی مل بروکس مخاطب را با این واقعیت کتمان‌ناپذیر روبرو می‌سازد که بروکس با به هجو کشیدن شاهکارها یا نوع‌های (Genres) سینمایی مانند سینمای وحشت، آفرینش نوع کمدی را به حیطه‌های روشنفکرانه‌تری می‌کشد. شکستن مرز میان نوع کمدی و سینمای وحشت به صورتی نوع‌آسا‌گریزی دارد به تسلط بی‌مهابای کارگردان بر روی فصل مشترک میان دو شکل حیاتی از نمایش که هر یک کالبدشکافی جداگانه‌ای را می‌طلبند. این بار نیز با قصه‌ی فرانکشتاین دیگری روبرو هستیم که در آن خالق هیولا نیز نظیر مخلوقش هیولای قابل ریشخندی است. استفاده از فیلم سیاه و سفید بیشتر تاکیدی است تاریخ‌مدار که بر پایه‌ی ساختار زیبایی‌شناسانه‌ی سینمای وحشت در سال‌های میان صامت و ناطق سینما در فاصله‌ی میان ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۰ م / ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ خ شکل می‌گیرد.

### ماموریت غیرممکن

در بخش دوم، شب پنجم مسئولان جشنواره با آگاهی غریزی از گوناگونی سلیقه‌ها با قصد کشیدن نسل‌های جوان‌تر به عنوان مخاطب به فضای هیجان‌برانگیز جشنواره ماموریت غیرممکن را به نمایش می‌گذارند. که کاری است ساخته‌ی برایان دوپالما، فیلمساز مولف معاصر آمریکایی که به خاطر ادای دین‌اش به تاریخ سینما از نخستین کارگردانان پسانوین (پست‌مدرن) محسوب می‌شود. نمایش این فیلم به مخاطب اثر سینمایی فرصتی می‌بخشد تا جلوه‌های ویژه‌ی خلق شده توسط رایانه‌های هالیوودی را آرام آرام هضم کند. قصه‌ی



فیلم، که به نوعی تداعی‌کننده‌ی فیلم‌های دنباله‌دار جیمزباند است، در محیط‌های اروپایی مانند پراگ و لندن می‌گذرد و غرض پرده برداشتن از توطئه‌ها و دسیسه‌هایی است که مطابق اصول ساختاری این



شابرول قربانی جهانی مردانه است که در آن مردان قدرت‌های مردانگی خویش را از دست داده‌اند.

### La Vie en Rose

سر آخر، جشنواره‌ی نمایش فیلم در فضای آزاد مونترال با فیلم *La Vie en Rose* به پایان می‌رسد که بر اساس داستان واقعی زندگی خواننده‌ی شهیر فرانسوی «ادیت پیا» بنا شده است. فیلم به بازیگری قدرتمند هنرپیشه‌ی اول زن داستان موشکافانه فراز و نشیب‌های زندگی پیا را از کودکی تا اشتهار و مرگ دنبال می‌کند. فیلم بنا نیست نیم‌نگاهی روان‌شناسانه از زندگی یک هنرمند در برابر ما ارزانی دارد که بیشتر مایل است بیشترین میزان نزدیک شدن کارگردان به عمق زندگی هنرمند را به نمایش بگذارد. در این رهگذار، بازی زن فیلم که از نگاه منتقدان نیز دور نمانده است خاطره برانگیز و به یاد ماندنی است. این چنین به نظر می‌آید که مسئولان جشنواره قصد در به پایان رساندن آن با فیلمی دارند که غرور ملی فرانسوی زبانان مونترال را به فرهنگ‌شان و تاریخ فرهنگی‌شان ارضا و اشباع می‌کند. نباید از خاطر برد که موفقیت فیلم بیش از هر چیز به خاطر از زندگی‌ای بازمی‌گردد که هر یک از مخاطبان فیلم به تنهایی با نهم‌مایه‌ی ترانه‌های ادیت پیا داشته‌اند، تجربه‌ای بی‌نهایت شخصی و عاشقانه.

کلیه‌ی حقوق انتشار دوباره‌ی این مقاله برای نویسنده محفوظ است

\* مراد صادقی دارای لیسانس در رشته‌ی سینما از دانشگاه کنکور دی‌ای مونترال است و در حال حاضر در مقطع کارشناسی ارشد در همین دانشگاه تحصیل می‌کند.

**رادیو چکاوک**  
را هر یکشنبه شب از  
ساعت ۹ تا ۱۰ بر روی  
موج ای.ام.ردیف  
۱۲۸۰ بشنویید

فیلم *Tess* کاری از رومن پولانسکی با بازیگری ناستاسیا کینسکی و بر اساس داستانی از توماس هاردی به زندگی زنی روستایی از طبقه‌های پایین جامعه اختصاص دارد که سردرگمی در نوسان میان رابطه‌هایش با مردان زندگی‌اش به قربانی شدن او منتهی می‌شود. همچون بیشتر کارهای دیگر پولانسکی با آغاز از فضایی شاد و سرزنده به جهانی بیمار گونه، تلخ و سرشار از ناامیدی می‌رسیم، اما در این میانه تلاش کارگردان برای وفادار ماندن به اصالت متن مانع بروز خلاقیت‌های همیشگی او به مثابه‌ی یک مولف است. کوشش‌های نافرجام شخصیت زن داستان در مواجه با تسلط جهان مردانه، به بن‌بست کشیده شدن روابط جفتی او ناشی از تضادهای هستی‌گرایانه و شوق کارگردان در بازسازی وفادارانه‌ی فضاهای روستایی در رمان توماس هاردی فیلم پولانسکی را منحصر به فرد می‌سازد. هرچند بی‌گمان بسیار سخت خواهد بود



که به دنبال برقراری ارتباطی تحلیلی با سرخ‌های همیشگی تصویری پولانسکی در متن اثر سینمایی‌اش باشیم.

### مادام بواری

**مادام بواری** اثر شابرول از قلمداد شدن به عنوان شاهکار بسیار دور است اما فیلمی به نظر می‌آید همچنان از ضرباهنگ یک اثر هنری خوب برخوردار باشد. اگر اما بواری وینسنت مینه لی تراژدی‌اش در درک نکردن او از فاصله‌ی عمیق میان توهم و واقعیت ریشه می‌گیرد، اما بواری شابرول در احاطه‌ی جهان مردانه‌ای است که در آن برای رسیدن به شعور جنسی می‌باید از نردبانی بالا رفت که پلکان آن را مردان بسیاری می‌سازند. جهان مردانه‌ای که بر اساس سبک شابرول در فضاهای تاریک و یا بسته‌ای به نمایش گذارده می‌شود که در آن «اما بواری» کاهیده می‌شود آرام آرام تا به سرحد مرگ. بر خلاف «اما بواری» فلور، «اما بواری»

نوع سینما انتهای فیلم را خوشایند می‌سازند.



### مستی قدرت

نمایش فیلم دیگری از شابرول به نام **مستی قدرت** مهر تائیدی بود بر تکامل سبک هنرمندی از میان دهه‌ها و در امتداد زمان تاریخی. داستان فیلم به شخصیت زنی می‌پردازد که از جایگاه خویش، به عنوان قاضی دادگاه، قصد برملا ساختن تباه‌کاری تاجران اقتصادی دوران معاصر را دارد. با نگاهی گذرا به عنصرهای زیبایی‌شناسانه‌ی فیلم می‌توان ساختمان اثر را، همچون دیگر کارهای شابرول، متأثر از دغدغه‌های ذهنی هنرمندی دانست که اصالت کارش و خواستگاه هنری‌اش همچنان وفادارانه وام‌دار سینمای تجربی و یا تجربه‌های نو در زمینه‌ی فیلمسازی است تا برگردان بیهوده‌پردازانه‌ای از نظام هالیوودی. بازی تاثیرگذار ایزابیل هوپرت و تدوین درخشان فیلم به خاطرآورنده‌ی ماست که بدانیم کارگردان فیلم هنوز سرشار از وفاداری عمیق به انگاره‌های خلاقانه‌ی استاد مسلم خویش، هیچکاک مولف، است. حضور بی‌قید و شرط تدوین و زیبایی‌شناسی آن بخش تعیین‌کننده‌ای در تحلیل نهایی اثر خواهد بود.

### Right Stuff

نمایش فیلم *Right Stuff*، فیلمی بد از کارگردانی متوسط آمریکایی، دلیلی است بر آن که حتا در لحظه‌های انتخاب فیلم برای بهترین جشنواره‌ها نقطه‌های کوری همواره از دور چشمک می‌زنند. فیلمی که در ابتدا اغواگر و فریبنده می‌نماید به آرامی تبدیل به اثری بد می‌شود. بازیگری بد بازیگران، کش‌دار بودن طول صحنه‌ها و حضور نداشتن عنصرهای جذاب در ساختار داستان فیلم حتا تلاش هنرمندانه کارگردان را به قصد هنری ساختن صحنه‌های مستندگونه فیلم کمرنگ می‌سازد.

### Tess







## • محمد جباری حق - مونترال

حتا کنفیسوس هم با نگارنده موافق است که هر از گاهی تنوع برای همه چیز لازم است. این همه چیز، از رنگ پالتو و عطر قهوه و مدل سیبل است تا حتا صفحه‌ی ادبی. یعنی این که قرار نیست هر بار کتابی، نویسنده‌ای برداریم حسابی حلوا حلوایش کنیم. اصلاً مدح بی‌پایان خودش یک جور معضل فرهنگی است. البته به حمدالله قرار نیست ما اینجا هیچ معضلی را حل و فصل کنیم. این همه صغرا کبرا چیدن برای این بود که عرض شود این هفته قرار است کمی در باب حضراتی به نام کلاسیک‌ها بحث کنیم.

کلاسیک‌ها از جمله کتاب‌هایی هستند که همه توافق دارند که شاهکار هستند و ستون‌های ادبیات‌اند و از همان مدح‌های بی‌پایان، ولی هیچ‌کس نخوانده‌شان. البته بر نگارنده هم همچون خواننده‌ی محترم پوشیده است پس چه طور نتیجه گرفته می‌شود کلاسیک‌ها شاهکار هستند ولی باز این به ما مربوط نیست، گمانم یک سری آدم موجه حرفی زدند و باقی قبول کردند. خلاصه مهم اتفاق نظر است که همگی داریم. حالا اگر کمی مته به خشخاش بگذاریم می‌شود کمیته‌ای منصوب کرد برای تحقیق چگونگی این قضیه. نگارنده قصد دارد شمای خواننده را به ریاست کمیته مربوط با حکم و مهر و باقی بساطش بگمارد.

مواد لازم برای این تحقیق عبارتند از یک عدد شما، یک عدد کلاسیک ادبی. غرض از کلاسیک‌های ادبی گروهی از عموماً رمان‌های کهنه‌ی ادبی است که بعد از این همه سال هنوز چاپ می‌شوند و ارزشی بیش از ارزش تاریخی دارند. مثلاً «جنگ و صلح»<sup>۱</sup> لئو تولستوی، «برادران کارامازوف»<sup>۲</sup> فئودور داستایفسکی، «دُن آرام»<sup>۳</sup> میخائیل شولوخوف، «جان شیفته»<sup>۴</sup> رومن رولان، «بلندی‌های بادگیر»<sup>۵</sup> امیلی برنته، «غرور و تعصب»<sup>۶</sup> جین آستین، «خوشه‌های خشم»<sup>۷</sup> جان اشتاین‌بک و ده‌ها کتاب دیگر که همگی گذشته از این که سرمایه‌های انسان امروز هستند، هنوز که هنوز است خواندنی‌اند.

بزرگ‌ترین مشکل با کلاسیک‌ها طولانی بودن آن‌هاست، بی‌خود به‌شان نمی‌گویند رمان بلند. بسیاری از کلاسیک‌ها چندجلدی هستند و حداقل در نگاه اول به نظر نمی‌رسد با زندگی امروز که واحد زمان به میکروثانیه رسیده چندان هم خوانی داشته باشد. ولی شما باور نکنید، تمام این‌ها تبلیغات استکبار جهانی هستند که لذت‌های زندگی را در مک‌دونالد و هالیوود خلاصه کرده است.

رمان بلند خواندن یک سبک لذت بردن است. هیچ‌کس رمان بلند نمی‌خواند که آخر داستان را بداند. تمام لذت قضیه حین خواندن رمان است. شخصیت‌هایی که از همان صفحه‌های اول وارد ذهن شما می‌شوند و به خاطر همین بلند بودن داستان ساخته و پرداخته می‌شوند و بیشتر از اسم‌ها و شخصیت‌های انتزاعی می‌شوند. نویسنده آدم‌های کتابش را تراش می‌دهد و چنان تصویری می‌سازد که شاید مدتی بعد از غرق شدن در کتاب فراموش کنید با انسان‌های زندگی روزمره طرف نیستید و همراه اوج و فرود رفتن زندگی آن‌ها شاد و دلگیر می‌شوید. با آن‌ها هم‌ذات‌پنداری می‌کنید و جزئیات رفتارشان گوشه‌ای از ذهن‌تان برای همیشه حک می‌شود. این‌ها همه کار زمان هستند و چند هفته‌ای که مشغول خواندن رمان بلند هستید فضای رمان آرام آرام بر روح و جانتان می‌نشیند.

به خاطر همین عنصر زمان، رمان بلند خواندن می‌تواند یک آیین فردی برایتان بشود. یک خلوت روزانه یا شبانه که هر روز یا هر چند روز کتاب را بردارید به



### طرح از کامبیز درمبخت

گوشه‌ی دنج خودتان پناه ببرید و غرق دنیای نویسنده شوید و تمام روزمرگی‌هایتان را از یاد ببرید. فرق رمان بلند و کوتاه در همین است که دلتان فرصت می‌کند عادت کند. گذشته از این، کهنه بودن این داستان‌ها به کار دیگری هم می‌آید. لای صفحه‌های کتاب با دورانی دیگر را می‌شناسید و اگر داستان بر واقعه‌ای تاریخی مانند جنگ سوار باشد تمام آن گوشه‌ی تاریخ را از نو زندگی می‌کنید و بعدها حین صحبت از آن جنگ یا هر چه، انگار دارید بازخوانی خاطرات می‌کنید. رمان بلند تجربه‌ی ساده‌ی زندگی کردن به جای دیگری و دیگران است، به عنوان یک شاهد یا ناظر صامت.

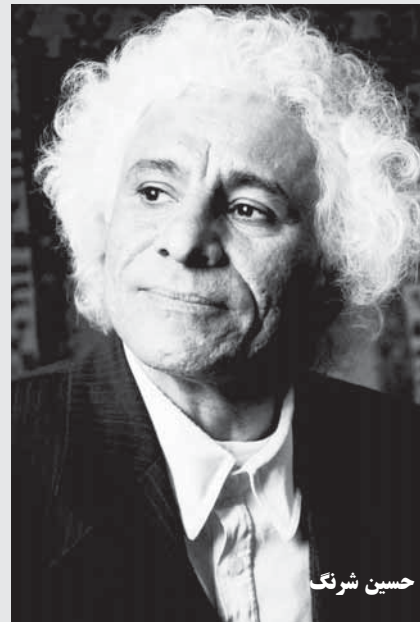
بار بعد که گذارتان به حوالی یک کلاسیک بلند افتاد نگویید این بماند برای بازنشستگی و آن آخرها. نگویید بماند برای وقتی که این ترم تمام شد، آن پروژه تمام شد، این بحران رد شد. نگویید وقت ندارم، اگر رخصت بدهید، کتاب وقت خود را می‌تراشد، می‌خواهد نمایشنامه کوتاه باشد، می‌خواهد رمان بلند باشد.

1. War and Peace
2. The Brothers Karamazov
3. «بخش اول» "And Quiet Flows the Don"  
«بخش دوم» "The Don Flows Home to the Sea"
4. The Enchanted Soul
5. Wuthering Heights
6. Pride and Prejudice
7. The Grapes of Wrath

# با شرنگ، شاعر «شرنگستانی» در کافه لیت

• گزارش: پاشا جوادی

CaféLitt



حسین شرنگ

هشتاد و هفتمین جلسه‌ی کافه لیت، پنج‌شنبه ۴ سپتامبر ۲۰۰۸، با حضور «حسین شرنگ»، شاعر شهر ما، با دفتر شعر تازه‌اش «کتاب وحشی» برگزار شد.

یکی از نکته‌های جالب این نشست متن متفاوت دعوت شرنگ شاعر به آن بود: «ای پان‌شرنگیستا! چه نشسته‌ای که ژنده‌یاف ژیندوسی، حسین شرنگ با شاخ‌ها و دم‌ها، اسم‌ها و سم‌ها، منقارها، نیش‌ها، چنگول‌ها، خرطوم‌ها، پک‌ویوزها، فلس‌ها، بال‌وکوپال‌ها، بال‌ها، ....، غرش‌ها، شیهه‌ها، قارقارها، چهچهه‌ها، زوزه‌ها، فشفاش‌ها، کوکوها، وزوزها، ماع‌ها و بعبع‌ها و خلاصه با باغ وحشی از سر و کول و کمر و دست و پا آویزانک می‌آید تا گوش‌های تو را مهمان «کتاب وحشی» و تمدن فرزانه‌ات را دست به سر کند. اگر آب در دهان داری بگذار و بیا.»

این جلسه که برای نخستین بار در محل تازه‌ی کافه لیت، یعنی رستوران سینه‌اکسپرس

(Cine-Express)، و با حضور بیش از چهل نفر برگزار شد اندکی حواشی داشت. صدای بلند دستگاه صوتی و ندادن بلندگو که با وجود هماهنگی‌های پیشین مورد توجه قرار نگرفته بود موجب شد که آرامش و سکوت لازم برای جلسه‌ی شعرخوانی فراهم نشود. به دلیل این کمبودها، برگزارکنندگان، از برویجه‌های کافه لیت و به ویژه از آقای شرنگ عذرخواهی می‌کنند.

حسین شرنگ در آغاز خود را این‌گونه معرفی کرد: «طفلکی حسین شرنگ، چهل و نه هزار بار دور خورشید گشته و یکی از هژده میلیارد شاعر بی‌همتا در کهکشان راه‌شیری است. او همچنین بنیان‌گذار کشوری در زبان است به نام جمهوری آناکوپاسیفیک شرنگستان.»

علیرغم سروصدای ناگزیر محیط، حسین شرنگ با انرژی و احساسات بسیار به خواندن شعرهای خود پرداخت و مورد استقبال قرار گرفت. وی نخستین شعرش را از دفتری قدیمی‌تر خواند و گفت که آن را به «پستان چپ مادرم وقتی هنوز باکره بود» تقدیم می‌کنم. او با شعرهایی از «کتاب وحشی» جلسه را ادامه داد. سپس سؤال‌هایی درباره‌ی نحوه و سبک سرودن شعرهایش پرسیده شد. آقای شرنگ شعرهای خود را ورای سبک‌های مرسوم دانسته و آنها را «وحشی» نامید. وی توضیح داد که منظور او از «وحشی» نه به معنای آشوب‌طلبانه (آنارشیسیتیک) و خشونت‌آمیز آن است، که شاید نموداری از طبیعت و اصل موجود آدمی باشد. جلسه‌ی این هفته با این که بحث‌های داغ و موضوع‌های جنجالی در پی نداشت، اما به دم گرم و شاعرانه‌ی حسین شرنگ خاص و متفاوت بود. سخنران در پایان، یکی از شعرهایش را به گویش بجنوردی و با آواز خواند که مورد استقبال قرار گرفت.

## چند قطعه شعر از حسین شرنگ بر گرفته از کتاب "کوه‌های فراری"

قلم را بجوم

خط بزنم دستم را

بنویسم مکنی ممتد سرخ

تا صدا صدایم کند شُر شُر

\* \* \*

کسی که می نویسد

کسی که می نویسد از نور

تازه چهره اش

چراغ کتا بخانه هاست

کسی که خا موش  
کسی که دور  
کسی که منفجر  
دهان کوه کهن  
آتش تو بی دار است

\* \* \*

من این طرف بی سواد  
تو آن طرف نوشته

متن تو از کیش کوه  
رودهای مرا رم داد

دریا سفید شد  
تو فان نمک پاروید

رمه های زند  
همهمه های گی

که مرا بسی نوشت  
و ترا کسی نخواند

\* \* \*

چقدر از شروع خود بیم دارم  
شروع خود بیم دارم  
که پروانه هرگز ننشیند  
درخت همچنان بروید  
و حالا شروع شده  
لحظه ای که باید از خود افتاد  
در ژرف جا وید

\* \* \*

کی به حومه ی حیات  
هی شدم  
که پروانه همچنان که می پرید  
طی شد  
و حیران مرکزم بودم که  
گر دبادی آمد و مرا برد

\* \* \*

مرا به حومه ی حیات  
هی کردی  
به پهنه ی صحاری سفید  
برای بازی مقدس  
میان سا یه های ابر  
و زو زه های باد

هر وقت پا شدم راه نبردم  
هر وقت راه شدم پا نداشتم

گمیا شوم بگردم چندی  
تا گم شودبه گردم وقت

می‌گذارند. اما مشکل اینجاست که از این راه به تمام ملت و هویت ایرانی هم ضربه می‌زنند. مانند کسی که در کشتی نشسته باشد و بگوید من قسمتی را سوراخ می‌کنم که خودم نشسته‌ام.

برخی نیز استدلال زبان‌شناختی می‌کنند که زبان امروز ما با زبان پارسیان (هخامنشیان) و ساسانیان فرق دارد. بنابراین نباید به آن Persian گفت بلکه Farsi مناسب است. درست است که ما به زبان هخامنشیان صحبت نمی‌کنیم اما در اصطلاح

زبان‌شناسی آن شکل‌های باستانی به ترتیب Old Persian (پارسی کهن) و Middle Persian (پارسی میانه) و زبان امروزی ما New Persian (پارسی نو) گفته می‌شود، مانند شکل‌های قدیمی زبان انگلیسی که Old English و Middle English گفته می‌شوند. همان گونه که کاربرد Old English نشانه‌ی پیوستگی فرهنگی و زبانی است کاربرد Old Persian و Persian نیز نشانه‌ی پیوستگی است. و یا برخی دیگر می‌گویند برای جداسازی زبانی که در ایران و افغانستان و تاجیکستان صحبت می‌شود باید گفت Farsi (و Dari و Tajiki). این استدلال نیز نابخاست. زبان انگلیسی نیز در کشورهای گوناگون مانند بریتانیا و آمریکا و کانادا صحبت می‌شود اما در همه جا یک نام دارد. تنها برای جداسازی و تاکید بر گویش خاص، نام کشور پیش از آن می‌آید و کسی نمی‌گوید I speak Canadian بلکه I speak English. بعد برای تاکید بر لهجه‌ی کشورش می‌گوید Canadian English.

با این وصف، من دلیل دیگری برای کاربرد Farsi نمی‌بینم. دفاع از فرهنگ ایرانی با همین کارهای کوچک آغاز می‌شود.

۱) برای بحثی همانند نگاه کنید به: «نام زبان ما در انگلیسی چیست؟» دکتر کامران تطف، استاد دانشگاه آریزونا، به نشانی

<http://www.persian-language.org/Group/Article.asp?ID=173>

۲) درباره‌ی توطئه‌ی جدایی‌افکنی بین زبان ایران و افغانستان و تاجیکستان نگاه کنید به مقاله‌ی «کیستی تبرخوردی زبان پارسی» به نشانی

<http://www.azargoshnasp.net/Pasokhbehanirani/kistitabarkhordeh.htm>

\* یوسف امیری مهندس ارشد نرم‌افزار و رهبر تیم است. وی کتاب‌هایی در زمینه‌ی مهندسی نرم‌افزار و تاریخ ایران باستان ترجمه کرده و در کار واژه‌سازی علمی-فنی نیز فعالیت دارد.

Oxford:

Persian: ... the official language of Iran

Webster:

Persian: ... a: any of several Iranian languages dominant in Persia at different periods b: the modern language of Iran and western Afghanistan

اما پس از انقلاب و خروج ایرانیان فراوان از ایران، به تدریج Farsi در زبان انگلیسی راه یافت. گروهی به خاطر ناآشنایی با زبان انگلیسی، این واژه را به کار بردند که به اصطلاح بر آنان حرجی نیست. برخی از تازه‌واردان به امریکای شمالی نیز وقتی می‌بینند که دیگران از Farsi استفاده می‌کنند گمان می‌کنند که این واژه درست است و هم‌رنگ جماعت می‌شوند. پس از این نیز گروهی در درون ایران از آنان پیروی می‌کنند و باعث بدتر شدن اوضاع می‌شوند. گروهی نیز به رواج اصطلاح Farsi در رسانه‌های غربی و پایگاه‌های اینترنتی تکیه می‌کنند. اما دلیلی ندارد که رسانه‌ها درست بگویند. باید دید سطح علمی و آگاهی رسانه در چه حدی است و تا چه حد معتبر است. و گاه، باید دید چه کسانی پشت آن هستند. یا این که می‌گویند زبان پویا است و تغییر می‌کند. برخی از امریکاییان افریقایی تبار به جای you were می‌گویند you was و در کتاب‌ها و فیلم‌ها و پایگاه‌های اینترنتی هم به همین شکل نوشته شده است. آیا پس از این باید در زبان انگلیسی بگوییم you was؟ روشن است که نه.

گروهی هم به دلیل ایدئولوژیک واژه‌ی Farsi را به کار بردند. استدلال‌شان هم این است که: «چرا باید اجازه بدهیم دیگران [=اروپاییان] هویت ما را تعریف کنند؟ آیا چون خاورشناسان به زبان ما می‌گویند Persian ما هم باید همان نام را به کار ببریم؟ من هویتم را خودم تعریف می‌کنم. بنابراین I speak Farsi. این استدلال به همان پوچی است که وقتی فرد انگلیسی زبانی به فرانسه صحبت کند بگوید je parle English چون نام زبان من English است. اگر بگویم je parle anglais اجازه داده‌ام که فرانسویان هویت مرا تعریف کنند!» در واقع به گمان اینان اگر بگوییم Persian داریم مانند رژیم گذشته عمل می‌کنیم، بنابراین از واژه‌ی Persian استفاده نمی‌کنیم.» اینان گمان می‌کنند که خاورشناسان واژه‌ی Persian را ساخته‌اند و «چون خاورشناسان نظر خوبی به «ما» ندارند بنابراین «ما» نباید اجازه بدهیم آنان هویت «ما» را تعریف کنند.» حال آن که واژه‌ی Persian سده‌ها پیش از پیدایش خاورشناسان کاربرد داشته است. این گروه با این کار در واقع برای خود هویت ناشناخته‌ی جدیدی تعریف می‌کنند و خود را در ردیف کشورهای نوپنیا

## نام زبان ما به انگلیسی Persian است نه Farsi

• یوسف امیری - مونترال

کاربرد واژه‌ی Persian افزون بر درستی زبان‌شناختی و زبانی، تاکیدی است بر دیرینگی کیستی ایرانی ما و نیز بر پیوستگی تاریخی و فرهنگی و زبانی‌مان.

به نظر من خوب نیست که ملتی در روبرو شدن با دیگران نام درست زبان خود را ندهند. نام درست زبان ما به انگلیسی Persian (به فرانسه persan) است نه Farsi و در این باره تا پایان دهه‌ی ۱۳۵۰ خ/۱۹۷۰ م هیچ شکی نبود. کاربرد واژه‌ی Persian افزون بر درستی زبان‌شناختی و زبانی، تاکیدی است بر دیرینگی کیستی ایرانی ما و نیز بر پیوستگی تاریخی و فرهنگی و زبانی‌مان. در این باره بحث و گفتگو فراوان شده است.

نام زبان، نام خاص نیست که بگوییم نباید آن را ترجمه کرد. در هر زبان نام زبان‌های دیگر پیرو شیوه و سنت همان زبان است. ما می‌گوییم لهستانی اما خودشان می‌گویند polski، در زبان انگلیسی می‌گویند Polish، و در زبان فرانسه polonais. بنابراین همان طور که هر لهستانی نباید در انگلیسی بگوید I speak polski ما هم نباید بگوییم I speak Farsi. به همین سادگی. این مشکل با نگاه به هر فرهنگ انگلیسی حل می‌شود اما برخی ساده‌ترین راه را کنار گذاشته و به بحث‌های فلسفی می‌پردازند که Farsi درست است! اگر به فرهنگ‌های دوزبانه‌ی زنده‌یاد سلیمان حبیب یا فرهنگ آریان‌پور نگاه کنید برابر زبان فارسی نوشته شده: Persian نه Farsi. اگر به فرهنگ‌های معتبر انگلیسی نیز نگاه کنید همه نام زبان ما را Persian نوشته‌اند:



# سفر به اعماق زمان قسمت دهم: چرا اینجا هستیم...

• امید صارمی - مونترال

قدر این حرف علمی است؟ باید بگویم که این گزاره کاملا علمی است. اگر جاذبه کمی ضعیفتر از این بود که هست کهکشانشاها به وجود نمی‌آمدند و در نتیجه ستاره‌ای در کار نبود. در نبود ستارگان، سیاره‌های مسکونی که برای حیات مناسب باشند هرگز خلق نمی‌شدند و در نتیجه انسانی در کار نبود. اگر نیروهای الکترومغناطیسی کمی قوی‌تر یا ضعیفتر بودند، اتم‌های «پایدار» هیدروژن در واقع سوخت اصلی ستارگان هستند و ستارگان در طول عمر خود از هیدروژن اتم‌های سنگین‌تر تولید می‌کنند. «مولکول‌های حیات» مثل کربن همگی در دل ستارگان و از گداخت هسته‌ای (فیوژن) اتم‌های هیدروژن شکل گرفته‌اند. پس اگر نیروی الکترومغناطیسی به قدری نبود که آن را اندازه می‌گیریم به احتمال قوی حیات به گونه‌ای که می‌شناسیم وجود نمی‌داشت و سوال «چرا» اصلا طرح نمی‌شد. در واقع، فرضیه‌ی انسان-هستی می‌گوید تعداد بی‌شماری جهان موازی مانند جهان ما می‌تواند وجود داشته باشد که در هر کدام از آنها مقدار ثابت‌های طبیعی متفاوت است. برای مثال در یکی از آنها سرعت نور سی صد هزار کیلومتر است و در دیگری دویست و پنجاه متر بر ثانیه و تا آخر. از میان این تعداد بی‌کران جهان‌های متفاوت، فقط در بعضی از آنها مقدار ثابت‌های فیزیکی مقداری بوده که منجر به تولید حیات شده و حیات باشعور در مقطعی از تکوین خود سوال «هستی» را پرسیده است!! این جهان‌های موازی در خارج از افق کیهانی یکدیگر واقع اند و نمی‌توانند با هم ارتباط برقرار کنند...

کاملا موافقم که کمی گیج‌کننده است... امیدوارم تا هفته‌ی بعد خوراک ذهن پیدا کرده باشید...

\* امید صارمی، دارای دکتری فیزیک از دانشگاه تورنتو است و در دانشگاه مک گیل در حال گذراندن پروژهی فوق‌دکتری است. عرصه‌ی تخصصی او تئوری ریسمان است که طی آن تلاش می‌شود در فرمول واحدی تمامی کنش‌ها و کنش‌های جهان فیزیکی از ابتدای پیدایش تا کنون توضیح داده شود

یکی از پرسش‌های اساسی فیزیک نظری این است که «چرا» جهان ما به گونه‌ای است که مشاهده می‌کنیم؟ ممکن است با خود بگویید فیزیک نظری تلاشی است برای توضیح «چگونگی» جهان و نه برای درک «چرایی» آن. اما باید بگویم این مسئله نمی‌تواند فیزیک‌دانان نظری را از تلاش برای درک «چرایی» جهان بازدارد. کسی چه می‌داند، شاید روزی این سوال هم در محدوده‌ی تجربه‌ی عدمی قرار گیرد. اما وقتی می‌گوییم «چرایی» واقعا منظورمان چیست؟ برای این که به ورطه‌ی بی‌انتهای فلسفه کشیده نشویم، سوال خود را دقیق کنیم. یکی از پرسش‌های بنیادی فیزیک این است که چرا ثابت‌های مختلف فیزیکی، روی مقدارهایی که در آزمایشگاه اندازه می‌گیریم تنظیم شده‌اند؟ اگر بخواهم ساده‌تر بگویم «چه کسی» یا «چه چیزی» تعیین کرده که جرم الکترون ۱۰ به توان منفی سی کیلوگرم باشد؟ «چه کسی» یا «چه چیزی» تعیین کرده که سرعت نور سی صد هزار کیلومتر در ثانیه باشد؟ ممکن است به خود بگویید: «فیزیک قرار نیست برای پرسش‌هایی مانند این جوابی در خود داشته باشد.» حتما با من موافقید که سوال‌هایی از این دست در محدوده‌ی «پرسش‌های چرایی» واقع می‌شوند. فیزیک امروز هنوز جوابی قاطع و محکم برای پرسش‌هایی از این دست ندارد ولی تلاش‌های اولیه‌ای در یکی دو دهه‌ی اخیر صورت گرفته است. یکی از این فرضیه‌ها، مجموعه‌ای از ایده‌های علمی-فلسفی است که اصول انسان-هستی (Anthropic) نامیده می‌شود. این فرضیه بیان می‌دارد که جرم الکترون و یا هر ثابت بنیادی دیگر طبیعت روی مقداری تنظیم شده که ما اندازه می‌گیریم، چون اگر غیر از این بود «قانون‌های فیزیک» اجازه‌ی «آفرینش هستی انسان» را نمی‌دادند و در نتیجه اصلا انسانی در کار نبود که این سوال را مطرح کند که «چرا ما اینجا هستیم». این فرضیه در نگاه اول ممکن است خیلی گیج‌کننده به نظر برسد و یا حتی در علمی بودنش شک باشد. ولی واقعا این طور نیست و از بعضی جهت‌ها می‌تواند کاملا عملی باشد. بیایید آن را کمی بیشتر بشکافیم.

گفتم که این فرضیه بیان می‌دارد که اگر ثابت‌های طبیعت چیزهای دیگری بود اصلا انسان نمی‌توانست به وجود بیاید که سوال «هستی» را مطرح کند! چه



Sans nom / بدون نام

وحید رهبانی

# اخبار جهان، خاور میانه و ایران



## وزیر اسرائیلی: می توان احمدی نژاد را ربوده و وی را محاکمه کرد



به گزارش بی.بی.سی، روز سه شنبه، ۹ سپتامبر (۱۹ شهریور)، رافی ایتان، از وزیران کابینه ائتلافی اسرائیل، در مصاحبه با نشریه آلمانی اشپیکل گفت که روشی که برای ربودن آدولف آیشمن (از مقام های ارشد نازی ها) و انتقال او برای محاکمه به اسرائیل به کار رفت می تواند در مورد محمود احمدی نژاد نیز مورد استفاده قرار گیرد.



آقای ایتان، ۸۲ ساله، عضو حزب جیل (بازنشستگان) است و در کابینه ائتلافی اسرائیل سمت وزیر امور بازنشستگان را برعهده دارد. در پی این اظهارات ایران رسماً به سازمان ملل شکایت کرد

## تلفات زلزله هرمزگان، ۷ کشته، ۵۳ زخمی بر جای گذاشت

به گزارش خبرگزاری فارس، رئیس اورژانس کشور، عباس حسینی، اعلام کرد: بر اساس گزارش هایی که به اورژانس رسیده ۱۷ روستای قشم بر اثر زلزله شش ممیز یک ریشتری عصر چهارشنبه، بین ۲۰ تا ۶۰ درصد تخریب دیدند که بیشترین خرابی مربوط به روستای گربه دان قشم با ۶۰ درصد تخریب است. آخرین آمار آسیب دیدگان زلزله هرمزگان ۷ کشته و ۵۳ زخمی است که از اواخر شب گذشته افزایش

نیافته اند، مجروحان بد حال با آمبولانس هوایی و دریایی اورژانس به بندرعباس منتقل شدند و حال آنها رو به بهبود است.

## روزنامه ایران، ارگان رسمی دولت به سوال کنندگان هشدار داد

روزنامه ایران روز پنج شنبه به انتقاد از طرحان سنوال از محمود احمدی نژاد در مجلس شورای اسلامی پرداخت، و به نمایندگان مجلس در این خصوص هشدار داده است.

این روزنامه، به نقل از مشاور مطبوعاتی رئیس جمهوری اسلامی نوشته که موضوع اظهارات دوستی اسفندیار رحیم مشایی با توضیحات وی «به خودی خود منفی و اصلاً بحثی برای پیگیری نمانده است. روزنامه دولتی ایران، همچنین در یادداشتی دیگر با اشاره به حمایت رهبر جمهوری اسلامی از احمدی نژاد، نمایندگانی که قصد سنوال از احمدی نژاد را دارند به «حاشیه سازی» متهم و خطاب به آن ها تاکید کرده «سنوال از رئیس جمهوری اسلامی در صحن علنی مجلس به مصلحت نظام نیست» این روزنامه در عین حال ادعا کرده که اظهارات اسفندیار رحیم مشایی معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان میراث فرهنگی در خصوص دوستی با مردم اسرائیل «ربطی به احمدی نژاد ندارد.»

## استانی که سینما ندارد: کهگیلویه و بویراحمد!

به گزارش خبرگزاری مهر، معاون فرهنگی حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد گفت: این استان تنها استانی است که سینما ندارد و سینماهای استان با مشکلاتی مواجه شده اند و هم اکنون همه آنها تعطیل هستند.

## شماری از فعالان آذری در تهران دستگیر شدند

به گزارش فعالان حقوق بشر از ایران، بنا بر گزارشات دریافتی این گروه حقوق بشری، نیروهای امنیتی با یورش به مراسم افطاری در خانه یکی از فعالان ترک آذربایجان بیش از ۱۸ تن از فعالین شناخته شده آذربایجان را دستگیر نمودند.

این حمله شامگاه روز چهارشنبه ۲۰ شهریور ۱۳۸۷، به خانه یکی از فعالین آذربایجان به نام صیاد

محمدیان در محله نواب تهران انجام شد.

## کاهش ساعت کار دستگاه های دولتی بخاطر ماه رمضان باعث افزایش نارضایتی مردم شده است

به گزارش سایت های داخلی، کاهش ۲/۵ ساعته از ساعت های کاری دستگاه های دولتی در ماه رمضان موجب نارضایتی مردم و مراجعه کنندگان به دستگاه های دولتی در مازندران شده است. با تصویب هیئت دولت ساعت کار دستگاه ها با آغاز ماه مبارک رمضان به هشت صبح تا ۱۳ تغییر یافته است.

## دستورالعمل شپش سردانش آموزان تدوین شد

به گزارش ایسنا، رئیس اداره سلامت نوجوانان، جوانان و مدارس وزارت بهداشت، ازدتدوین سیاست کلان برای مدارس مروج سلامت و دستورالعمل شپش سر (بوکلت پدیکولوژ) دانش آموزان خبرداد و گفت: براساس این دستورالعمل، معلمان وبه ویژه دانش آموزان روستایی آموزش می بینند. دکتر گلابول اردلان، در گفتگویی ایسنا، به شیوع فراوان شپش سردانش آموزان روستایی به علت تجمع درفضای فیزیکی سر بسته وعدم رعایت کامل بهداشت فردی اشاره کرد

## طالبانی: روابط عراق با همسایگان خود به حال عادی بازگشته است

به گزارش رادیو ی آمریکا بی فردا جرج بوش رئیس جمهوری آمریکا می گوید واشنگتن و بغداد به توافق رسیده اند که نیروهای آمریکا بسته به میزان موفقیت های حاصله باید خاک عراق را ترک گویند.

پرزیدنت بوش این نظر را به دنبال گفتگوهای روز چهارشنبه خود با جلال طالبانی رئیس جمهوری عراق در کاخ سفید ابراز داشت.

آقای طالبانی دولت بوش و ارتش آمریکا را به خاطر کوشش های خود در جهت تثبیت اوضاع عراق مورد ستایش قرارداد و اظهار داشت پیش بینی می کند که پارلمان عراق لایحه انتخابات استان ها را به زودی تصویب کند.

آقای طالبانی افزود روابط عراق با همسایگان خود، از جمله ایران و سوریه به حال عادی بازگشته است.



پیش دستگیر و زندانی شد. همچنین آقای غلامعلی اسکندری که در بند افغانه زندان اصفهان بسر می برد و در حدود ۵ سال است که در بازداشت است.

### بیش از دو ماه از اعتصاب در لاستیک البرز می گذرد

روزآنلاین با گذشت بیش از دو ماه از اعتصاب ۱۵۰۰ کارگر کارخانه لاستیک البرز تهران، سه وزارتخانه کشور، صنایع و کار و امور اجتماعی رای به عدم صلاحیت سهامدار اصلی این کارخانه برای اداره آن دادند.

### یک ایرانی به اتهام جاسوسی در آلمان محاکمه می شود

به گزارش رادیو فرانسه، یک شهروند ایرانی به زودی در آلمان به اتهام جاسوسی برای جمهوری اسلامی و خرید سلاح غیر قانونی برای حکومت تهران در مقابل دادگاه قرار خواهد گرفت.

برای احضار رئیس‌جمهور به مجلس، طرح موضوع استعفای کردان توسط جوانفکر و در نهایت متهم شدن کردان و رحیمی (معاون احمدی‌نژاد) از سوی حسین شریعتمداری به احتمال دریافت رشوه در جریان عقد قرارداد با شرکت اماراتی کرسنت این موضوع را مطرح کرده است. گفتنی است شکاف در میان حامیان دولت در حالی بالا گرفته که در هفته‌های اخیر، دولت با جدی‌ترین حمایت‌ها در بالاترین سطوح برخورداری شده و به همین دلیل، برخی ناظران دلیل این حمایت‌ها را «ممانعت از سقوط و فروپاشی کابینه» ارزیابی کرده‌اند.

### دو زندانی محکوم به سنکسار در انتظار حکم سنکسار خود بسر می برند

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران در گزارشی اعلام کردند، بنابه اطلاعات این مجموعه از زندان مرکزی اصفهان دو زندانی که محکوم به سنکسار هستند. حکم سنکسار آنها همچنان به قوت خود باقی است. خانم گیلان محمدی حدوداً ۳۰ ساله که در بند زنان زندان اصفهان زندانی است. او در حدود ۵ سال

### دبیر کل شورای همکاری کشورهای خلیج (فارس) : جزایر را بدهید تا روابط عادی شود

به گزارش روزنامه های ایران به نقل از العربیه ، عبدالرحمن العطیه دبیر کل شورای همکاری کشورهای خلیج (فارس) طی سخنانی که روز سه شنبه ۹ سپتامبر ۲۰۰۸ در مطبوعات دبی منتشر شد، هشدار داد که «مسأله جزایر سه گانه مانع بزرگی بر سر راه پیشبرد و بهبودی روابط میان کشورهای شورای همکاری خلیج (فارس) و دولت ایران به شمار می رود»

### شکاف بی سابقه کابینه همزمان با حمایت های بی سابقه

سایت داخلی و مجاز «شهاب‌نیوز» چهارشنبه گذشته با انتشار گزارشی تحلیلی خبر از بروز «جنگ قدرت خوشونت‌آمیز» در میان حامیان دولت داد. این سایت خبری با اشاره به زنجیره اتفاقات هفته‌های اخیر از جمله مخالفت و افشاکاری روح‌الله حسینیان در جلسه رای اعتماد علیه کردان، مقاله فاطمه رجیبی علیه رحیم‌مشایی، تلاش علی مطهری



**Cela ne doit plus se passer!  
It Must Not Happen Again!**

20e anniversaire du massacre de l'été 1988 des prisonniers politiques en Iran  
The 20<sup>th</sup> anniversary of Iranian Political Prisoner's massacre in summer 1988  
September 19-21 2008 Montreal, Canada

**یادمان کشتار دهه ۶۰**

بیستمین سال کشتار زندانیان سیاسی ایران ۱۹ تا ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۸، مونترآل کانادا

Ticket pour les 3 jours \$70.00 \*Étudiants pour les 3 jours \$45.00  
Soirée culturelle le 19 septembre \$30.00  
\*Étudiants pour Soirée culturelle \$20.00 Ticket pour la journée du 20 ou du 21 \$25.00

Conférence: les 20 & 21 septembre 2008 UQAM, salle DSR 525, 320 St-Catherine Est, Montréal, Qc. Soirée culturelle: le 19 septembre 2008 à 19h, UQAM, Marie-Gérin-Lajoie (JM 400), 405 St-Catherine Est, Montréal, Qc. [www.1980smassacre.com](http://www.1980smassacre.com)

**چنین نسل کشی را فراموشی نشاید!**  
**یادمان سراسری کشتار زندانیان سیاسی دهه ۶۰ ایران**

در خلوت روشن با تو گریسته ام  
برای خاطر زندگان  
و در گورستان تاریک با تو خوانده ام  
زیباترین سرودها را  
زیرا که مردگان این سال  
عاشق ترین زندگان بوده اند " احمد شاملو"

اتحاد سوسیالیستی ایرانیان - مونترآل  
با همکاری جمعی از ایرانیان مبارز در راه آزادی و سوسیالیسم  
در اتاوا و مونترآل برگزار می کند

همایون ایوانی: زندانی سیاسی سابق و از جان بدر بردگان کشتارهای دهه ۶۰ (آلمان)  
- موسیقی: گیسو شاکری آواز خوان معترض تبعیدی (سوئد) به همراهی استاد سه تار آقای سایمون نصر (مونترآل)  
- علی دروازه غازی: زندانی سیاسی سابق و نویسنده کتاب " زیستن در سرسرای مرگ" (آمریکا)  
- تاتار طنز " بازجوی عزیز" بازیگران: حسین افصحی (تورنتو) و هادی خرسندی (انگلستان) "نمایش DVD"  
- جابر کلیبی: پژوهشگر و نویسنده (مونترآل)

**اتاوا**  
تظاهرات: جمعه ۵ سپتامبر ساعت ۱۲ تا ۱۳ در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در اتاوا  
برنامه یادمان: جمعه ۵ سپتامبر ساعت ۱۸ تا ۲۳  
مکان: Center Communautaire De La Cote-De-Sable  
250, rue Somerset Est Ottawa ( Ontario ) K1N 6V6

**مونترآل**  
زمان: شنبه ۶ سپتامبر ساعت ۱۸ تا ۲۳  
مکان: Concordia University Local LB-125 (Library Building)  
1400 de Maisonneuve West. METRO : Guy Concordia  
تلفن تماس: ۲۲۳۳-۵۶۹ (۵۱۴)

# نیازمندیها

پیش شماره های نوشته نشده ۵۱۴ هستند.

## رایگان: تا آخر نوامبر ۲۰۰۸ نام و شماره تلفن موسسه خود را در اینجا آگهی کنید.

|  |  |  |  |  |   |  |  |
|--|--|--|--|--|---|--|--|
| ۳۶۹-۳۴۷۴<br>۴۸۶-۴۱۱۳<br>۴۲۱-۳۴۷۸<br>۸۶۱-۳۴۷۴<br>۹۳۲-۲۰۹۹<br>۴۵۰-۹۰۴-۴۹۰۰<br>۸۴۵-۰۱۸۶<br>۳۶۵-۲۲۲۱   | سن لوران<br>یک دلاری<br>مارش سیروس<br>مواد دریایی کاسپین<br>نور<br>وطن<br>ویاند سن لورن<br>هانویاک   | ۹۳۴-۵۶۰۰<br><b>دندان پزشکی</b><br>۹۳۳-۳۳۳۷<br>۹۳۳-۳۳۳۷<br>۶۸۴-۰۱۳۵<br>۶۳۴-۷۲۸۱<br>۷۳۱-۱۴۴۳<br>۶۸۵-۶۲۲۲<br>۶۹۵-۸۶۴۱<br>۶۸۵-۶۲۲۲   | Excel plus<br><b>دندان سازی</b><br>مهری حیدری<br>شهرزاد نیا<br>معصومه دولتشاهی<br>راضیه رضوی<br>شریف نائینی<br>علی شفیعی<br>رامین میرموجی<br>علی مهیو  | ۸۶۸-۶۲۶۲<br>۶۲۶-۵۵۲۰<br>۶۴۸-۱۹۱۲<br>۹۸۹-۲۱۲۱<br>۹۳۷-۲۸۸۸<br>۸۰۷-۲۷۸۳<br>۵۶۸-۳۸۴۸   | کانادا کالج<br>مدرسه وست آیلند<br>مدرسه دهخدا<br>امگا<br>ناسیونال<br>Best<br>cool driving   | <b>اتومبیل (اجاره و فروش)</b><br>۹۹۳-۷۰۸۵<br>۴۸۲-۴۵۰۰<br>۴۸۶-۵۶۷۰<br>۴۸۲-۴۵۰۰<br><b>اتومبیل (تعمیرگاه)</b><br>۴۸۴-۴۴۸۱<br>۳۶۴-۶۴۰۰<br>۷۷۷-۶۴۲۱<br>۶۳۷-۳۳۳۶<br>۹۳۳-۰۸۸۳   | اتورزین<br>الگانس<br>شان اتو<br>لیزینگ کمپانی<br><b>اتومبیل (تعمیرگاه)</b><br>اطلس<br>آی تی ام<br>خرید ماشین اوراقی<br>Autoride<br>Pieces d'Auto |
| ۹۱۸-۴۷۳۶<br>۴۸۵-۱۰۰۰<br>۲۹۴-۸۲۴۲<br>۶۲۶-۷۵۰۶<br>۹۷۵-۲۱۱۱<br>۲۹۰-۲۲۱۲<br>۹۸۳-۱۷۲۶<br>۶۸۳-۸۵۵۶   | انترکام<br>انکس مدیا<br>آموزش کامپیوتر<br>برنامه نویسی - وب<br>پیمان سلیمی طرحی وب<br>جی اچ دی، گارت<br>لینک فلاور- وحید<br><b>مجالس - جشن ها - سفره عقد</b><br>هدیه   | ۶۸۵-۶۲۲۲<br>۶۸۵-۶۲۲۲<br>۷۳۷-۶۳۶۳<br>۴۸۳-۲۰۷۰<br>۸۴۸-۱۷۷۱<br>۵۷۵-۸۴۵۱<br>۶۲۰-۸۳۳۱<br>۳۸۵-۴۷۲۶<br>۷۸۷-۸۸۴۸<br>۷۸۷-۸۸۴۸   | <b>دندان سازی</b><br>افخم هادی<br><b>رسانه های گروهی</b><br>اعتبار<br>بازار<br>پوشه<br>پیوند<br>تلویزیون<br>رادیو چکاوک<br>چکاوک هفته  | ۸۸۵-۴۳۶۸<br>۴۸۳-۲۰۷۰<br>EXT: ۲۳۵<br>۲۹۶-۹۰۷۱<br>۹۲۴-۸۳۶۸<br>۹۲۷-۳۵۰۴<br>۹۳۱-۴۲۴۲<br>EXT: ۲۲۹۴  | هادی اسلامی وطن<br>گروه مالی انصاری<br>علی پاکنژاد<br>سمیرا مظفری<br>سهراب مهماندوست<br>مریم سلیمانی  | <b>آرایشگاه - زیبایی - اسپا</b><br>۵۵۱-۰۰۸۸<br>۸۲۷-۲۹۰۰<br>۴۵۰-۶۷۸-۴۹۵۳<br>۶۲۶-۸۶۶۶<br>۵۲۲-۵۲۵۲<br>۴۸۱-۶۷۶۵<br>۹۳۴-۳۳۷۴<br>۳۳۳-۷۳۰۹<br>۴۸۹-۶۹۰۱<br>۹۷۵-۳۰۰۲<br>۸۴۰-۰۹۰۹<br>۷۷۲-۵۷۸۷  | اکسپرت<br>استتیک لی لی<br>پریسا<br>خانه زیبایی فریده<br>زارا<br>زهره<br>رویا<br>سیروس<br>شهرزاد<br>منیژه استتیک<br>مون رویال<br>Esthmedica       |
| ۷۲۷-۶۶۶۶<br>۸۴۹-۰۷۵۳<br>۷۷۷-۶۴۲۱<br>۳۶۶-۱۵۰۹<br>۴۲۱-۷۸۸۸<br>۴۲۶-۴۵۴۵<br>۸۹۸-۱۵۹۰<br>۵۷۶-۴۱۵۵<br>۷۳۱-۷۵۷۵<br>۴۹۷-۲۵۶۷<br>۸۱۴-۱۸۴۴<br>۹۹۸-۹۱۴۷<br>۴۲۶-۹۵۹۵<br>۹۶۹-۲۴۹۲<br>۷۹۲-۴۵۷۷<br>۳۶۴-۳۳۱۵<br>۴۵۸-۱۲۰۶<br>۴۶۶-۶۰۰۰<br>۴۲۶-۴۵۴۵<br>۸۸۰-۷۱۷۱<br>۸۰۲-۲۳۴۹<br>۴۲۶-۴۵۴۵<br>۸۱۶-۴۰۸۰<br>۴۲۶-۴۵۴۵<br>۶۰۸-۳۲۶۸<br>۸۲۷-۶۳۶۴ | الزهره<br>انجمن بهایی<br>کلیسای شاهراه مقدس<br>مرکز اسلامی ایرانیان<br>محمد اجزاچی<br>افسانه انصاری<br>همايون انصاری<br>یاس انصاری<br>فرخنده بدایقی<br>فریبا جانفزا<br>میترا چنگیزی<br>نعیمه چنگیزی<br>زاله حافظی<br>نادر خاکسار<br>مینا صالحی<br>سیهر صفائی<br>حسین فلسفی<br>پرویز قائمی<br>ایرج قانعی<br>سحر کریمیان<br>سوسن گوئل<br>هلن گیورگیس<br>نینوس گیورگیزینیا<br>رضا نژاد<br>داود ونوقیان<br>فیروز همیتیان | ۹۳۱-۱۹۹۹<br>۸۳۱-۱۴۸۴<br>۶۷۰-۸۴۰۰<br>۴۵۰-۶۷۸-۹۳۲۲<br>۳۴۳-۰۳۴۳<br>۴۸۳-۶۵۵۵<br>۴۸۵-۲۹۲۹<br>۶۷۷-۴۷۲۶<br>۲۷۰-۸۴۳۷<br>۴۸۳-۶۹۹۰<br>۹۳۳-۰۹۳۳<br>۴۸۳-۰۰۰۰<br>۴۸۴-۸۰۷۲<br>۸۴۹-۱۳۳۵<br>۸۰۷-۸۷۴۷<br>۳۶۳-۴۴۴۴<br>۸۴۶-۱۹۴۷<br>۳۱۵-۷۹۹۴ | <b>رستوران - پیتزا - کیتزینگ</b><br>الطیب<br>بانو<br>پارس<br>چوپان کباب<br>دابل پیتزا<br>سرای ۵۹<br>شیراز<br>کیتزینگ ظریف<br>فاروس<br>کارون<br>کباب سرا<br>کلبی<br>کلبه عمو جمال<br>گورمه گرک<br>گیلان<br>گی ملو<br>نیلوفر<br>Cafe 420 | ۴۸۱-۰۶۷۱<br>۴۶۶-۱۸۸۰<br>۹۳۱-۸۲۷۴<br>۹۷۹-۲۱۲۰<br>۴۸۱-۰۶۷۱<br>۴۶۶-۱۸۸۰<br>۹۳۱-۸۲۷۴<br>۹۷۹-۲۱۲۰<br>۲۴۶-۸۴۸۶<br>۶۲۴-۵۶۰۹<br>۷۳۰-۷۴۶۲<br>۲۸۸-۴۸۶۴<br>۷۸۴-۰۲۵۷<br>۶۲۴-۵۶۰۹<br>۷۳۵-۰۴۵۲<br>۴۸۶-۵۵۴۷<br>۴۸۷-۱۵۶۶<br>۸۰۶-۰۰۶۰<br>۴۹۲-۷۰۰۷<br>۳۶۲-۰۳۸۲ | فرهت- عینک سازی<br>میرا- کلینیک<br><b>پزشکی جایگزین</b><br>پروین زرساو- همیویت<br>هیپنوتیزم- علی سلیمی<br><b>نابلو سازی</b><br>پلکسی<br>حمید<br><b>ترجمه</b><br>محمود ایزدی<br>شهریار بخشی<br>آرزو تحویل داری یکتا<br><b>دارو خانه</b><br>لوئیز داداش زاده<br><b>دکورا سیون منزل و محل کار</b><br>میترا معینی- طراحی داخلی<br><b>دعوتنامه رسمی</b><br>شهریار بخشی<br><b>حسابداری</b><br>حسن انصاری<br>همايون خانمی<br>شکيب نیا<br>عباس شفیعی<br>مجتبی میر عابدینی<br>ریاض حق<br><b>حمل و نقل</b><br>پارس ماریتایم<br>کی بی ترانسپورت<br><b>خشک شویی و خیاطی</b> | ارز<br>بیژن احمدی<br>ام یام<br>پاسیفیک<br>پنج ستاره<br>خضر<br>شریف<br>مانی وایز<br><b>ازدواج و طلاق</b><br>شیخ صالح سیبویه<br><b>آژانس های مسافرتی</b><br>امیر- اسکای لان<br>افروالمبیک<br>پارس تورز<br>نسرین پارسا<br>فرناز معتمدی<br>گام<br>Amro Travel<br><b>الکترونیکی (تعمیرات)</b><br>الکتروتنک<br>امید<br>سولوسیون پلاس<br><b>آموزش</b><br>انستیتو تکنیک<br>پروین عبائی- فارسی<br>کالج ابو علی سینا |  |
| ۴۸۳-۶۵۵۵<br>۹۸۹-۷۵۱۴<br>۸۳۵-۶۲۲۳<br>۵۷۳-۸۱۱۸   | سرای ۵۹<br>نخودچی<br>تی.ام.ان<br>ایرکا- فرهاد زرعی   | ۶۲۰-۵۵۵۱<br>۳۸۲-۸۶۰۶<br>۴۵۰-۹۲۳-۳۸۶۸<br>۹۲۳-۸۵۶۸<br>۴۸۹-۳۲۲۶<br>۴۵۰-۶۷۶-۹۵۵۰   | اخوان<br>ادونیس<br>افغانی<br>الشلال<br>راکی موتنانا<br>کوه نور   | ۳۸۴-۵۶۳۲<br>۸۴۹-۵۶۶۱   | پارس ماریتایم<br>کی بی ترانسپورت  | ۷۳۹-۳۰۱۰<br>۳۶۸-۹۰۱۲<br>۹۳۷-۱۷۷۷   | انستیتو تکنیک<br>پروین عبائی- فارسی<br>کالج ابو علی سینا   |

# HafteH

Un hebdomadaire pour la communauté iranienne de Montréal  
A weekly Newsletter for the Iranian Community in Montreal

6960 Sherbrooke W. #15  
Montreal Qc H4B 1R2  
(514) 787-8848  
www.chacavac.com  
info@chacavac.com

Remerciements particuliers à ceux qui ont contribué à ce numéro  
Special thanks to those who contributed to this issue:

Ms. Hamideh Ghiyasvand, Mr. Reza Baladi, Mr. Mohammad Jabbari, Mr. Pasha Javadi, Mr. Jean-Michel Lavoie, Mr. Morad Sadeghi, Mr. Bardia SadiNejad, Mr. Omid Saremi,

13 sep 2008, numéro 16 / September 13, 2008, Issue No.16

Publication/Publisher:

C-HafteH

Éditrice et Éditeur/Editors: Leili Khaghani et /and Yusef Amiri

Éditeur en chef/Editor in chief:

Khosro Shemiranie

Designer:S.Taghilo

Design des publicités/Ads designed by: behgraphics.com

Design de la couverture/Cover design by: Keyvan Mahjour

La photo de la semaine/Picture of the week : Vahid Rahbani

انواع سنگ ۹۹۶-۲۷۲۵

نظافت منزل و محل کار

آر-اند-اف ۶۵۵-۷۶۷۲

موسیقی : ساز- سی.دی-ویدئو

تیش ۲۲۳-۳۳۳۶  
پیانو ۹۰۹-۶۲۶۴

مهاجرت - وکیل

فیوره بلائزه ۷۴۴-۰۸۲۵  
گلشاد درودی ۲۸۸-۴۰۵۰  
شاهی ۲۷۸-۳۶۷۹  
روشا عشریه ۳۷۷-۰۴۹۰  
شوکا عشریه ۸۸۶-۳۸۲۶  
علی غلامپور ۳۹۵-۰۵۲۲  
ماریا کنته ۶۵۶-۸۱۷۸  
رضا محمود بیگ ۲۷۱-۸۹۷۵  
علی مختاری ۶۵۱-۴۷۲۶  
رضا ناظم ۳۹۲-۰۰۵۰  
ونسان والابی ۹۵۴-۹۹۹۸

## Issue 16 - index

- Word of the week: Nobody is perfect Bardia Sadi-Nejad
- Quebec and Canada News
- What's happening in our community?
- A critique from one of our readers
- Keep it Simple: How to find jobs in Quebec - Hamideh Giasvand
- Ostrich's egg: Montreal Film Festival ends Bardia Sadi-Nejad
- To see or not to see: Montreal Film Festival ends - Morad Sadeghi
- Literary page: The Classics Mohammad Jabbari-Hagh
- Cafélitt : Sharang the poet from Sharangestan at Café Litt - Pasha Javadi
- What do we call our language? Youssef Amiri
- A deep journey into time: why are we here? - Omid Saremi
- Picture of the Week: Nameless Vahid Rahbani
- Iran and World news
- Classifieds
- Index in French and English

## Table des matières 16

- Le mot de la semaine: Personne n'est complet- Bardia Sadi Nejad
- Les nouvelles du Québec et du Canada
- Les nouvelles des iraniens à Montréal
- Le critique d'un lecteur
- Simple et bref : Les secrets de recherche d'emploi au Québec-Hamideh Ghasvand
- «Oeuf d'autruche»- Le festival du film de Montréal est terminé- Bardia SadiNejad
- Voir et ne pas voir- Morad Sadeghi
- La Page littéraire- Les classiques Mohammad Jabbari Hagh
- Sharang, le poète «Sharangestani»
- Un rapport de Pasha Javadi
- Quel est le nom de notre langue? Youssef Amiri
- Le voyage au plus profond des temps- Omid Saremi
- La photo de la semaine: Sans nom- Vahid Rohbani
- Les nouvelles du monde et d'Iran
- Petites annonces
- Table des matières en anglais et en français

## مازیار بابایی

آموزش  
موسیقی ردیف  
سه تار  
آواز

(514)570-4057

## راديو چكاوك

را هر يكشنبه شب از

ساعت ۹ تا ۱۰ بر روی

موج ای.ام.ردیف

۱۲۸۰ بشنوید



# CaféLitt<sup>©</sup> مسابقه عکاسی

Un hebdomadaire pour la communauté iranienne de Montréal  
A weekly Newsletter for the Iranian Community in Montreal

Rencontre culturelle persano-montréalaise

## تابستان، مونتریا و

13 Septembre 2008, numéro16  
september 13, 2008 Issue  
No.16



هر شرکت کننده حداکثر 5 عکس می تواند ارسال کند. عکسها می بایست تا پایان روز 23 سپتامبر سال 2008 به آدرس [Montrealcafelit@gmail.com](mailto:Montrealcafelit@gmail.com) فرستاده شود.

هیچگونه محدودیتی در مورد اندازه، وضوح، رنگ بندی و ویرایش عکسها وجود ندارد. (پیشنهاد می شود کیفیت عکس ها حداقل 300 dpi در A5 باشد). برای هر عکس توضیح موارد زیر الزامیست:

خام عکاس - عنوان عکس - محل و تاریخ ثبت تصویر

کلیه حقوق معنوی عکس برای عکاس و حق انتشار و نمایش عمومی عکسها با ذکر نام عکاس برای کافه لیت محفوظ است. عکسها توسط اعضای کافه لیت و داوران مدعو بررسی شده و به سه نفر برگزیده جوایزی اهدا خواهد شد. نمایشگاهی از عکس های منتخب توسط کافه لیت برگزار خواهد شد.

\* از هرگونه حمایتی جهت قضاوت، تهیه جوایز و پربارتر شدن رقابت استقبال می شود.